

پیدائش

آئین بہائی

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۲۰ بیع

\* فهرست مندرجات \*

صفحه

- ۱- پیش گفتار ۴
- ۲- ایمان به خداوند ۶
- ۳- علت ظهور پیغمبران در هر عصر و زمان ۱۳
- ۴- حکمت و علت تجدید ادیان ۱۸
- ۵- دلائل عقلی بر حقانیت پیغمبران ۲۵
- ۶- بشارات کتب زرتشتی ۳۰
- ۷- مختصری از تاریخ آئین بهائی ۳۸
- ۸- نامه ها و کتب و خطابات حضرت بهاء الله ۷۰
- ۹- بعضی از اصول و مبادی اساسی در  
دیانت بهائی ۷۵
- ۱۰- هدف و منظور آئین بهائی ۸۰

## پیش گفتار

سیاس و ستایش خداوند بیمانندی را سزا است که  
آدمی را بزبور خرد و دانش بیاراست و موهبت عدل و انصاف  
سرافراز فرمود تا با این عطیه و بخشایش خداوند آفرینش  
در جهان خاک راه و روش نیکان و یاگان گیرد و آنچه  
خواست خداوند و فرمان ( اهورامزدا ) در هر عصر و  
زمان است رفتار کند تا خود و دیگران را قرین آسایش و  
آرامش و نیک بختی و خوش فرجامی نماید و این راه و روش آئین  
آسمانی یکتا خداوند است که بمنظور نظم عالم و سعادت  
بنی آدم مرحمت و عنایت میگردد و در مواقع ضرورت و لزوم  
توسط فردی ممتاز و شایسته بنام پیغمبر یعنی آورنده پیام  
نجات و رستگاری بعالم انسانی ابلاغ میشود خجسته مردمی  
که این فرمان و پیام خداوندی را که راهنمای سعادت و ترقی  
و ضامن صلح و محبت و یگانگی و موجب حصول آرامش و آسایش  
و اطمینان و امان است مورد توجه و عنایت و اطاعت قرار  
دهد و یقین کند که آنچه خواست و اراده خداوند دانست  
و توانا است حتماً و قطعاً در عالم بشر اجرا خواهد شد

ولو آنکه در آغاز با مخالفت و عدم اطاعت مردمان کوتاه نظر  
و نافرمان مواجه گردید تاریخ ادیان بهترین شاهد و دلیل  
اثبات این مدعا است .

این مختصراً بانهایت خضوع و خاکساری به حضور  
برادران زرتشتی تقدیم داشته امیدوارم بدیده مهربانی  
و محبت و انصاف و عدالت بآن بنگرند و با عقل و خیر  
خداداده اندیشه نموده قضاوت فرمایند که آیا ممکن  
است مشکلات و مصائب عالم که هر روز و هر زمان روزافزوست  
جز براهنمائی و فرمان یزدان مهربان باسایش و آرامش  
و امن و امان تبدیل شود . در این مختصر شما را با  
آئین مقدس بهائی که فرمان و دستور یزدانی برای این  
عصر و زمانست آشنا نموده امید شدید از بخشش حضرت  
پروردگار آنست که برادران عزیز زرتشتی را سودمند  
افتد و انتظار و آرزوی نیاکان که سعادت همگان است  
حاصل شود .

## ایمان به خداوند

~~~~~

ایمان بخداوند و اعتقاد راسخ به یکتائی و عظمت و قدرت خالق توانا پایه و بنیان سعادت و موفقیت و آرامش و آسایش هر انسان عاقل و هوشمندی است تا در پرتو انوار بخشش و دهنش بخداوند آفرینش از تیرگی تاریکیها و گرفتاریهای اهریمن نفس بدخواه ایمن و مصون ماند هدف و منظور از خلقت و هستی خود را که توسط پیغمبران در هر عصر و زمان بامر و فرمان خداوند مهربان بعالم انسان ابلاغ میگردد اطاعت و پیروی نموده در این جهان خاک چون فرشتگان آسمانی رفتار و سلوک فرماید و جمیع نوع بشر را از صمیم قلب دوست دارد و هر روز بلکه هر ساعت خدمتگس و مساعدت و کمکی بدیگران چه دور و چه نزدیک تقدیم نماید و از خدمتگزاری و مساعدت بابناء انسان مسرت دل و جان حاصل کند هر انسانی که باین درجه و مقام رسد میتوان گفت که انسان واقعی است والا خدای نخواستہ بصورت انسان است نه بسیرت نظر باینکه آدمیان را در جهان خاک مشاهده عالم پاک و ارتباط مستقیم با خداوند توانا مقدور و میسر نیست اینست که یزدان مهربان از فرط لطف و مرحمت پیمبران را واسطه فیض و بخشش و راهنمایی

هدایت و اطاعت فرمان و دستور خویش مقرر فرمود تا بوسیله انبیاء و پیغمبران بشناسائی خداوند غیب موفیق گردیم و اوامر و دستورات یزدانی را از پیغمبران که معلمین این دانشگاه روحانی میباشند دریافت و اطاعت کنیم و این موضوع بسیار واضح و بدیهی است که اگر همه اهل عالم دستورات و اوامر پیغمبر زمان خود را اطاعت و اجرا کنند جنگ و نزاع و عداوت و نفاق و سوء تفاهم و خود خواهی و حرص و طمع و فرور و خود پسندی که موجب اینهمه جنگ و جدال و خونریزی است بصلح و صفا و محبت و وفا بدل فدای جان و مال در راه جمیع نوع انسان مبدل خواهد شد اینست مقصد و هدف همه پیغمبران و ادیان الهی از ابتدای دنیا تا زمان حاضر.

حال اگر گویند خدائی که به چشم دیده نمیشود و بگوش ندا و هدایش مسموع نمیگردد و بیالسن نمیشود و بهیچیک از حواس پنجگانه درک و فهم نتوان نمود چگونه بوجود و قدرتش ایمان آوریم در جواب گوئیم : از آثار بی بمؤثر توان برد یعنی وقتی بعالم هستی نظر میکنیم و این همه عظمت و حکمت را در جمیع هستی ها از ذرات حقیر و ذره بینی تا کرات و ستارگان در نهایت نظم و جمال و کمال مشاهده مینمائیم عقل حکم میکند که اینهمه آثار عظمت و

حکمت بدون مؤثری عظیم و خالقی حکیم و مقتدر هستی نیافته و واضحست که هیچ موجود ناچیزی بدون سازنده ایجاد نمیشود چگونه ممکن است که عالم بیکران و عظیم هستی که کره زمین باین پهناوری جزء کوچکی از دنیای پر عظمت است بدون وجود خالقی و خداوندی مهربان و قادر و حکیم بوجود آید و اینهمه نظم و ترتیب و جمال و کمال در هر یک از مخلوقات از نباتات و حیوانات و انسان پیدایش یابد که هر قدر علم و دانش بشر ترقی میکند بیشتر بعظمت دستگاہ عظیم و محیرالعقول خالق مقتدر و بیهمتای متوجه و متذکر میگردد و این بدیهی است که هیچ مصنوعی بدون صانع و مخلوقی بدون خالق موجود نشده و نخواهد شد حتی تغییر شکل دادن یک ماده و شئی بشکل دیگر بخودی خود صورت نمیگیرد مثلاً آرد بخودی خود نان نمیشود لا زمست که نانوا صرف وقت نماید و با اطلاع و بصیرت و تهیه وسائل لازمه آرد تبدیل بنان شود و قابل استفاده گردد حال بانصاف ملاحظه و تفکر نمائید وقتی تغییر شکل اشیاء و موجودات کوچک و جزئی بدون دخالت و هنر و اطلاع شخص مطلع ممکن نیست چگونه توان گفت که این جهان عظیم و بیکران هستی خود بخود بوجود آمده و معلول بدون علت که بدیهی البطلان است متمسک



بعضی مردم کوتاه نظر قرار گیرد چه خوب میفرماید :

دل هر زره که بشکافی آفتابیش در میان بینی

جمیع موجودات عالم هستی از نبات و حیوان و انسان  
بازبان حال بر وجود و عظمت و قدرت خداوند یکتا بیبهمتا  
شهادت میدهند فی المثل اگر در سکنه یک شهر بزرگ  
دقت فرمائید و شخص را از هر حیث مانند یکدیگر نتوان  
یافت حتی توأمان ( دو قلو یا سه قلوها ) گر چه در ظاهر  
شباهت دارند یعنی از حیث صورت شبیه اند اما از جهت  
سیرت و اخلاق و خصوصیات متفاوت اند همچنین در  
میوه جات و گلهای و غیره اگر دقت فرمائید هزاران گل از یک  
نوع را وقتی در زیر زره بین قرار دهند و یا تجزیه نمایند  
با هم متفاوت اند این چه قدرت و عظمتی است که جمیع  
موجودات عالم هستی نیز یکتا هستند و بزبان ظاهر  
و باطن شهادت میدهند که ما نیز یکتا هستیم چون  
خالق عظیم و حکیم و مقتدر ما نیز یکتا و بیبهمتا است .

پیدایش و ظهور انبیای الهی و پیغمبران آسمانی  
بجهت تربیت و ترقی نوع انسان است که بعد از طی  
مراحل زندگانی جسمانی بحوالم لایتناهی و بیکران روحانی  
انتقال یابیم و چنانچه کودک در رحم مادر اعضا و اجزای  
لازمه را برای استفاده این دنیا تهیه نموده تا با داشتن

چشم و گوش و زبان و سایر اعضای جسمانی از مواهب این دنیا حد اکثر استفاده نماید و اگر خدای نخواستہ کودکی گور و کر و محروم از یکی از اعضا متولد شود جبران و تهیه آن عضو در این دنیا با اینهمه ترقیات پزشکی مشکل بل محالست همچنین است وضعیت انسان در این جهان خاک و جسمانی تا هر کس بخواهد بر حسب دستور خداوند و تعلیم و راهنمایی پیمبران که استادان دانشگاه الهی و روحانی هستند برنامه آمادگی و ترقی و وصول و دخول بعالم بالا را دریافت و دستورات و فرمان روز خدا را که توسط پیمبر این زمان ابلاغ میشود اطاعت و اجرا نماید تا بخواست خداوند دارای مواهب و آمادگی روحانی شده بعد از گذشتن از جهان خاک اجازه و پذیرش دخول به عالم پاک حاصل کند و الاً مردن او عبارت از مرگ و نیستی است اینست که اکثر ما مردم از مرگ هراس داریم و میترسیم مثل ما مثل دانشجویی تنبل و سهل انگار است که از امتحان ترسناک است و برعکس مردان خدا از مرگ ترس ندارند زیرا برای امتحان طبق دستور پیمبران زمان خود آمادگی حاصل نموده اند در جواب گروهی از مردم که میگویند : چون خداوند را نمی بینیم و بحواس پنجگانه ما ادراک نمیشود لذا وجود ندارد گوئیم : اولاً خداوند

جسم و جسد نیست که بحواس خمسه ادراك شود بلکه حقیقت مقدس و مجرد از عقول و ادراك محدود جسمانی است بلکه خالق جمیع حقائق است ثانیاً حقائق مجردة و علوم و دانش های عصریه از هر قبیل از پزشکی و فیزیک و شیمی و غیره که مدار امتیاز و برتری عالم انسان از حیوان است نیز وجود جسمانی ندارد یعنی دیده نشده نمیشود مثلاً اگر دانشجوی پزشکی از استاد بخواهد که دانش پزشکی را با و نشان دهد یا لمس کند چه جواب خواهد شنید؟ استاد میگوید این دانش حقیقی است مجرد از تجسم باید بوسیله عقل و فهم درك و جذب شود و وقتی که حقائق علمیه مقدس از ظهور و بروز و مشاهده جسمانی و ظاهری بوده و فقط بوسیله عقل و فهم ادراك میشود چگونه ممکن است که خالق اینهمه حقائق عالییه را بچشم ظاهری جسمانی مشاهده کرد ثالثاً - تفاوت مراتب است - و آن عبارت از اینست که مادون از مافوق و پائین تر از بالاتر اطلاع و احاطه ندارد تا چه رسد باحاطه و اطلاع مخلوق ضعیف از خالق عظیم و قدیم با شرح مختصری که در موضوع ایمان بوجود خداوند نگاشته شد که اندکی از بسیار و قطره در مقابل دریا است اشخاص دانا و منصف تصدیق مینمایند که هر طالب علم

و دانشی باید در ظل اطاعت و تربیت معلم و استاد آن دانش کوشش و مجاهدت نماید تا از آن دانش بهره مند شود و الاً بصرف انکار و مخالفت نه دانشجوی سهل انگار و بی همت دانشمند میگردد و نه مقام عالی علم و دانش متزلزل و باطل میشود لذا هر شخص عاقل و دانشمند را شایسته آنست که در دانشگاه الهی زمان خود که استادی آنرا پیغمبر آن زمان متعهد شده کمر همت بسته به مطالعه و استفاده و تحقیق پردازد تا بخواست خداوند بمقصود رسد و بدیهی است که دخول در این دانشگاه الهی را شروط و مقرراتی است که هر شخص طالب و هوشیار تا واجد آن شرایط و آمادگی و استعداد نشود در دانشگاه روحانی خداوندی پذیرفته نخواهد شد چنانچه این قانون در دانشگاه های متعدد علوم ظاهری نیز معمول و مرسوم است .

## علت ظهور پیغمبران در هر عصر و زمان

پیغمبران و انبیای الهی نمایندگان خداوند میباشند که بر حسب امر و اراده مطاعه اش بنا با اقتضای زمان حاصل پیام لطف و مرحمت و هدایت و محبت الهی بعالم انسانی هستند پیغمبران در هر عصر و زمان خود را بعالمیان معرفی فرموده دستورات و اوامریکتا خداوند را که کافسی و کافل سعادت واقعی و هدایت و نجات و الفت و اتحاد عموم جامعه انسانی است عرضه میفرمایند و چون آفتاب درخشنده و تابان انوار بینش و دانش الهی را باهل عالم نثار میکنند و در این راه از هیچ قسم فداکاری دریغ نفرموده هرگونه اذیت و آزار و جفا را بدل و جان تحمل مینمایند عداوت را با مهر و محبت جفا را با وفا خطا و عصیان را با عفو و غفران و جنگ و جدال را با صلح و صفا مقابله میفرمایند و مانند پدری مهربان و فداکار جان و جسم خویش را در سبیل تربیت و سعادت جمیع اقوام و ملل که همه بندگان یک خدا هستند فدا و نثار میفرمایند و مراجعه و مطالعه تاریخ ادیان این موضوع را واضح و

مهرن میسازد که همه انبیا و پیغمبران در جمیع اعصار و ازمنه چه مقدار بلا و جفا و عداوت و ستم از ابنسای آدم کشیده و میکشند هر قدر جفا و ستم بیشتر بینند و فـا و محبت فزونتر فرمایند تا در اثر صبر و استقامت و شـمـول حفظ و حمایت و تأییدات خداوند مقتدر مردمان را بشاهرا یگانگی و برادری و سعادت واقعی رهبری و دلالت فرمایند و بدیهی است اگر تأیید و حمایت خداوند توانا یار و مددگار نباشد يك نفر انسان بدون وسائل ظاهری از لشکر و سپاه و خزائن ازمال دنیا چگونه تواند این امور مهمه را اجرا فرماید و امر عظیمی را که پادشاهان غیور و مقتدر با دارا بودن تمام وسائل انجام نتوانند يك شخص ضعیف و تنها با وجود مخالفت و ممانعت همه اهل عالم انجام دهد و نام نامی وصیت بزرگواریش همیشه باقی و جاودان ماند بدیهی است که همه این بزرگواران از طرف خداوند بوده قدرت و حمایت ایزد توانا یار و یاور ایشان بوده و خواهد بود .

ملاحظه فرمائید که ملوک و پادشاهان عظیم الشان تا زنده و صاحب قدرت اند او امر و دستورشان بالنسبه در زیردستان نافذ است اما بمجرد مردن و رحلت از این دنیا خود و آثارشان فراموش میشود و قوانین و دستورشان اکثراً

ملفی میگردد مگر پادشاهان عادل و مهربان که نامشان به نیکی یاد میشود ولکن انبیاء و پیغمبران نام مبارکشان با احترام بزبان ها جاری است و تا جهان باقی است فرمان و کتابشان مقدس و پیروان او امر و دستور ایشان را با کمال رضا و رغبت اطاعت و اجرا مینمایند آیا این بهترین دلیل و شاهد بر عظمت مقام و نفوذ و تأثیر آن بزرگواران نیست که يك تنه بدون ناصر و معین و سپاه و لشکر آئین خداوندی را ترویج میفرمایند و با اینکه در ابتدای ظهور همه مردم از دانشمندان و علماء و رؤسا تا عوام و فقرا بمخالفت يك فرشته قیام و اتحاد میکنند و از هر گونه ازیت و آزار و جیس و سرگونی و تهمت و افترا فروگذاری ندارند تا این نور یزدانی را خاموش کنند و این يك شخص تنها و ناتوان را نابود سازند بعبارة اخری همه دنیا مخالف و مصمم به از بین بردن يك شخص میشوند و شب و روز با جمیع وسائل میکوشند که بنیانگزار آئین جدید را نیست و نابود نمایند و چراغ ایزدی را خاموش کنند اما موفق نمیشوند و این يك نفر تنها بر همه اهل عالم چیره و غالب میشود و مصداق این شعر ظاهر و متحقق میگردد .

چراغی را که ایزد بر فرورد

هر آنکس پف کند ریشش بسوز

چنانکه در هر عصر و زمان تحصیل علم و دانش مورد نظر و توجه عقلا و دانشمندان بوده و هست بدیهی است که مردمانی که امروز در دنیا زندگانی مینمایند برای کسب دانش بدبیرستانها و دانشگاههای امروز وارد و دانش لا زمه عصر خویش را از استادان امروز میآموزند زیرا دانشگاههای سابق نظیر جندی شاپور وجود ندارد بنا بر این واضح و ثابت شد که برای آموختن دانش روحانی و کسب فضائل اخلاقی و ترقی در مراتب دین و وجدانی جز استفاده از معلم علم الهی که برای عصر ما از جانب خداوند مأمور گشته راه و مفری نیست چه بخواهیم چه نخواهیم دستور و فرمان امروز خداوند مطاعت و اجرا خواهد شد و مخالفین آخرالمرزبان برده پشیمان خواهند شد بمنظور آنکه موضوع گاملاً روشن و واضح گردد معروض میشود .

هر انسان عاقل و مآل اندیش در هر مملکت و دیاری که سکونت دارد مطیع قوانین دولت و حکومت وقت و زمام خویش است و بدیهی است عدم اطاعت و تجاوز از قانون مستلزم مجازات و شاید زندان و کشته شدن است یعنی قانون روز در هر مملکتی مجری است نه قوانین زمانهای گذشته فی المثل اگر شخصی در محاکمه دادگستری بقاضی



عرض کند در مورد این موضوع و پیرونده طبق قانون زمان  
 انوشیروان دادگر قضاوت فرمائید زیرا این پادشاه بزرگ  
 حقیقتاً دادگر بود مگر نه آنست که قاضی جواب میدهد  
 با اذعان و قبول عدالت انوشیروان و احترام آن پادشاه  
 تصدیق فرمائید که قانون تفسیر نموده و مقتضای زمان تبد  
 یافته است و ما ناچاریم مطابق قوانین روز که موافق عصر  
 حاضر است قضاوت کنیم .

لذا وقتی که مجبوریم قوانین روز بشری را اطاعت  
 کنیم چگونه فرمان و دستور روز خداوند مقتدر و مهربان  
 را اطاعت ننموده بلکه مخالفت و سرپیچی میکنیم و بر حسب  
 ظاهر ادعای ایمان بخداوند مینمائیم این جا محلی  
 انصاف است .

## حکمت و علت تجدید ادیان

با مطالعه و تدقیق در ادیان الهیه و غور در کتب مقدسه ملاحظه میگردد که جمیع پیغمبران و خوشروان معلم و مروج خیر و نیکی و اخلاق پسندیده بوده مردمان را بر راستی و یزدان پرستی مأمور و به پرهیز از دروغ و کردارهای ناشایسته امر و دستور فرموده اند و تمام انبیاء و پیغمبران پدران دانا و صهربان و راهنما و غمخوار در عالم انسان بوده برای تربیت و سعادت بشر هر بلا و جفائی را بجان خریدند تا نوع انسان تربیت واقعی یابد و انسان حقیقی شود جنگ و خونریزی که خوی درندگی و حیوانی است بمحبت و برادری مبدل شود و اختلاف و سوء تفاهم بالفت و یگانگی مقابله گردد روی زمین بهشت برین شود و جنگ ننگ گردد و بدبیهی است که هر یک از پیغمبران در محیط فرمان خود این هدف جلیل و مقصد عظیم را انجام فرمودند و تمدن و تربیت و نظم و قانون خداوندی را در بین ملت و قوم خود مستقر و اجرا نمودند حال علت تجدید ادیان و استمرار ظهور پیغمبران را مختصراً شرح دهیم که چرا

با اینکه اصول اساسی و هدف واقعی همه ادیان الهی و آئین یزدانی یکی است اینهمه اختلاف و استمرار و وجود و ظهور ادیان مختلفه بچه علت است .

۱- عالم هستی و خلقت بنا بر ماده و خواست خداوندی در تکامل و ترقی است و شاهد این مطلب تاریخ عالم و تغییرات و ترقیات روز افزون مادی و معنوی است چنانکه هر روز و هر ماه ناظر و شاهد ترقیات علمی و صنعتی و غیره میباشیم بدیهی است که هر قدر دایره این تکامل و ترقی توسعه یابد قوانین و نظاماتی در خور و شایسته اداره آن ضروری است تا عدالت و برابری اجراء گردد .

۲- شریعت و آئین خداوندی فی المثل مانند چشمه صاف و گوارا است که از کوهستانی بلند و مرتفع سرچشمه گرفته و متدرجاً سرازیر میشود و دهات و شهرهای بین راه را مشروب و سیراب و زنده نگاه میدارد اما هر قدر از ستر<sup>چشمه</sup> اصلی فاصله میگیرد در هر یک از دهات و کوچه و شهر از آن استفاده شده و ضمناً اشخاص بی مبالا بدون توجه و رعایت بهداشت آنرا آلوده میسازند یکی دست خود را میشود و دیگری لباس و سومی فرش و چهارمی ظروف خانه و واضحست که هر یک از این اشیاء آب صاف را بنوعی آلوده

و ناپاک میسازند تا بدرجه که رنگ و بو و طعم آب بکسی  
 دگرگون میشود و آبی که در سرچشمه اساس حیات و زندگی  
 و موجب سلامت بود بعد از عبور از این مسافت هرکس  
 از آن بنوشد مریض و یا هلاک شود اینست که در این قرن  
 و زمان آبهای نوشیدنی را لوله کشی نموده از اینگونه  
 آلودگی محافظت میکنند آئین یزدانی نیز که عبارت از آب  
 حیات و زندگی است بمرور ایام با سوء تفاهم و تعبیر  
 نادانان و پیشوایان مفرور از تأثیر باز میماند .

### ۳- اختلاف عقاید و آراء و استعداد اشخاص در فهم

و درک اصول و فروع دین است که بمرور زمان سبب ایجاد  
 تفرقه و اختلاف میشود چنانچه مشاهده میفرمائید ادیان  
 بزرگ عالم که جمعیت زیاد دارند بصددها فرقه متعـدد  
 تبدیل شده مثلاً مسیحیت از قزاری که در آمریکا از یک  
 کشیش معروف که در کلیسا صحبت میکرد بگوش خود شنیدم  
 که میگفت به ۶۵ فرقه و شعبه رسیده است .

### ۴- ریاست طلبی علماء و رؤسای ادیان است که بمرور

زمان از شاهراه اصلی اتحاد و اتفاق و خضوع و خشوع منحرف  
 و گرفتار خودپسندی و ریاست طلبی و رقابت میگردد و هر  
 يك گروهی را با خود همراه نموده طرفدار خویش مینمایند  
 و در نتیجه جنگهای خونین فیما بین مؤمنین يك دین مثلاً

کاتولیک و پرتستان و یاشیمه و سنی ایجاد میکنند .  
 هـ - تقالید و خرافات حاصله در ادیان قدیمه است  
 که متدرجاً جزء اصول اعتقادات دین و آئین میگردد و موجب  
 سوء تفاهم و اختلاف و تفرقه در یک دین میشود ایسین  
 پنج علت فوق بعضی از علل تجدید ادیان و لزوم استمرار  
 ظهور پیغمبران در این جهان خاک است و چون بنا به  
 قانون خلقت و ناموس طبیعت هر جوانی ناچار پیر و هر  
 پیری حتماً خواهد مرد و هر درخت جوان و شاداب میوه  
 شیرین دهد و چون پیر گردد با مر و اراده باغبان دانا  
 شکسته و درختی جوان از تخم همان درخت جانشین شود  
 تمام امور این جهان خاک بر همین روش ناچار از تغییر و  
 تبدیل و تنوع و دگرگونی است هر انسان عاقل و منصف  
 اقرار و ادغان کند که خالق و صاحب دنیا که خداوند  
 عالم و قادر و مهربانست هر وقت زمان که صلاح و لازم <sup>ند</sup> دا  
 برای اداره و سرپرستی دنیا که ملک مطلق او است شخص  
 ممتازی را مأمور میفرمایند که باشایستگی و توجه به  
 مقتضیات زمان طبق دستور و فرمان روز خداوند دنیاائی  
 را که متعلق بخدا است اداره فرماید و یا پادشاهی  
 عادل و دانا هرچندی حاکم و یا استالرداری را تمییز  
 فرماید یا تغییر دهد آیا کسی را توانائی و قدرت و حق

مخالفت با امر سلطان هست؟ چقدر جای تمجیب و تأسف است ما بشر ناتوان که مجبور باطاعت فرمان بشری مانند خود یا قدری برتر هستیم از اطاعت فرمان خداوند مقتدر و دانا و توانا خودداری و مخالفت میکنیم ولیکن چون یکی از صفات خداوند بخشایش و مهربانی و عفو است بسرعت و شدت نافرمانی را مجازات نمیفرماید چنانچه شاه عر عالیقدر فرموده :

لطف حق با تو مداراها کند

چونکه از حد بگذری رسوا کند

باشخ مختصر مذکور واضح و مبرهن شد که چون عالم هستی و امورات آن دائماً در حال تغییر و دگرگونی و تحول و ترقی است لذا قوانین و دستورات نیز بنا باقتضای زمان و استعداد عالم انسان باید تغییر کند و واضحست که جز خداوند دانا و توانا هیچ انسانی صد درصد عالم و محیط به مصالح و مقتضیات حال و آینده نبوده و نیست و انسانی که او را به اداره و تنظیم امور و شئون خویش بطرز شایسته و دلخواه توانائی نیست و اوضاع زندگانی زمان و مکان خود را کاملاً مرتب و منظم نتواند نمود چگونه قادر است قوانینی برای سعادت و رفاه دنیائی عظیم خصوصاً اداره و انتظام آینده که دائماً در ترقی است وضع کند که

موافق احتیاجات عموم بشر و حافظ منافع تمام جوامع مترقی  
 باشد و مصون از حب زیاد و بغض بیمورد مصالح ملل و دول  
 عالمرا تضمین و تأمین و چون پدری مهربان جمیع نـوع  
 انسان را فرزندان خویش داند و همه را در یک دبیرستان  
 و دانشگاه با برنامه خداوندی تربیت و متحد و یگانه  
 فرماید چون صفحات تاریخ را ورق زده وقت نمازیم  
 مشاهده میکنیم که خداوند مهربان در هر عصر و زمان  
 در قسمتی از دنیا یکفر از پیمبران و خوشوران را حامل  
 پیام لطف و مرحمت خویش فرموده و آن قوم و ملت در ظل  
 تعالیم و تربیت پیغمبر خویش به نهایت درجه سعادت و رفاه  
 و ترقی و افتخار رسیدند اما چنانچه عادت ضروری این  
 دنیای خاک تغییر و تبدیل کهنه به نو و ازین رفتن قدیم  
 به جانشین تازه و جدید است لذا تجدید ادیان کـه  
 موجب حصول فیض جاودان و حامل پیام تازه از حضرت  
 یزدانست گذشته از اینکه واجب و ضروری است این موهبت  
 و مرحمت مستمر از حضرت پروردگار مانند باران رحمت  
 شامل فیض و برکت ویند و نصیحت و راهنمایی و دلالت  
 است تا این بشر حیران و نگران با توکل و توجه بالطفاف  
 و عنایت و راهنمایی و دلالت خداوند مهربان در تاریکیهای  
 این جهان امید و اتکالی واقعی و حقیقی یافته در پناه

خداوند که پدر مهربان و خالق همه نوع انسانست این زندگان  
چند روزه را با جمیع بشر به دوستی و غیر خواهی و فداکاری  
بگذرانند و لذت حیات واقعی را درک کنند و رختامه نظری  
با وضع دنیای کنونی و مشاغل و مصائب متزاید آن فرمائید  
که هر روز و هر ماه گرفتاری های تازه از سیاسی و اجتماعی و  
اقتصادی جهان و جهانیان را در معرض خطر و انهدام قرار  
داده و قدرتهای بزرگ هرچندی اختراعی جدید برای غلبه  
و قدرت و فنای یکدیگر عرضه میکنند و جماع صلح چه ملی و  
چه بین المللی قادر بر جلوگیری از تصادمات و رفع اختلافات  
نبوده و نیستند زیرا نظریه توجیه هر یک معطوف و متوجه منافع  
خویش است ولو بضرر سایر ملل باشد اینست که وصول به  
بهشت صلح و صلاح با تدابیر و کوشش مردمان معمولی سیاسی  
یا اقتصادی و اجتماعی که عقولشان محدود و محصور بر منافع  
شخصی است محال بوده نگرانی و اضطراب و گرانی معیشت  
و عدم تقوای الهی و اطمینان واقعی عالم بشر را به نیستی  
تهدید میکند مگر آنکه لطف و مرحمت خداوندی دستگیری و  
هدایت فرماید و رؤسای دول و مسئولین امور را باین اصل کلی  
( که مهارت از فرمان روز خداوند که توسط حضرت بهاء الله  
بعالم عرضه شده اطاعت و اجرا کنند ) بدیهی است در  
صورت عدم اطاعت بآیا و مشاغل و جنگ و جدال عالم انسانی  
را ویران نماید و دیگر پیشمانی سودی نخواهد داشت .



دلائل عقلی برحقانیت و خشوران و پیغمبران

بچه دلیل و برهان برحقانیت پیغمبران

یقین نمائیم  
مهممممممممممممممممممممممم

اعظم دلیل واکمل برهان برحقانیت انبیا و خشوران  
که نمایندگان خداوند در زمین اند وجود مقدس و شخصیت  
عالی خود ایشان است چنانچه فرموده اند :

آفتاب آمد دلیل آفتاب

گردلالت باید از وی رخ متاب

و این بدیهی و واضحست که بهترین دلیل وجود آفتاب  
خود آفتاب است و استفاده از نور و روشنائی آن مگر برای  
مردمانی که از موهبت بینائی محروم اند دلائل و خصائص  
بیان میشود تا شخص کور و نابینا در تصور و خیال خویش  
بمرور ایام بوجود و طلوع آفتاب آشنا شود و یقین حاصل  
کند همچنین است دلائل حقانیت پیغمبران و مظاهر  
مقدسه خداوندی که آفتاب آسمان اریان در مریان روحا  
نی

و حقیقی عالم انسان هستند مقامشان مقدس از هر دلیل  
 و برهان است بلکه تمام دلائل و براهین طائف حول آنها  
 و بظهور وجود مقدس ایشان خلیق میگردد و عالم افکار  
 و عقول بشر را استعداد قبول و ایمان عطا میکند بنابراین  
 ثابت و مبرهن است که در نظر دانشمندان واقعی و عاشقان  
 محبت خداوندی در شناسائی و ایمان به نمایندگی حضرت  
 پروردگار احتیاج به هیچ دلیل و برهان نیست زیرا دارای  
 بصیرت واقعی و بینائی حقیقی هستند و پیغمبران را کسبه  
 آفتاب آسمان روحانی اند بمجرد جلوه و طلوع می شناسند  
 و در ساحت مقدسشان بعرض بندگی و اطاعت فرمان مفتخر  
 و سرافراز میشوند لذا ذکر بعضی از دلائل زیر از نظر  
 ارفاق و راهنمایی است تا همگان از دریای بخشش خداوند  
 بهره مند گردند و اینک بعضی از دلائل عقلی که یکی  
 از بسیار و اندکی از بیشمار است ذکر میشود .

۱- ادعا است و آن عبارتست از معرفی و شناساندن  
 خویش بمجموع اهل عالم که از طرف خداوند قادر و عالم  
 و مهربان مأمور ابلاغ دستورات و فرمان لطف و مرحمت  
 خالق منان در این عصر و زمان میباشند .

۲- کتاب است و آن حاوی و متضمن اوامر الهی و

دستورات خداوندی جهت تأمین سماد و دستگیری عموم نوع انسانی است که در آن برنامه زندگانی و خیر و صلاح بشر باقتضای زمان نگاشته شده است .

۳- علم لدنی است که از آن به عصمت کبری و نفثات روح القدس نیز تعبیر گشته و جمیع پیغمبران مستقل و اجسد و دارای این موهبت و قدرت بوده و میباشند و بوحی الهی نعمات رحمت و مرحمت خداوندی را چون روح حیات در کالبد عالم انسان میدهند و بعبارتی دیگر دارای علم الهی هستند نه دانش اکتسابی از دیگران .

۴- تشکیل امت است و آن عبارت از ایمان و اتحاد نفوسی است که در این دانشگاه الهی حضور یافته و در ظل تربیت این معلم روحانی بمقام انسان واقعی و خدمتگذار صمیمی جمیع بشر مفتخر میشوند و برای انجام این مقصد عظیم جان و مال و هستی خویش را فدا نموده مرگ و کشته شدن را افتخاراً استقبال میکنند .

۵- نفوذ و تأثیر کلمه است و آن اجرای اوامر و فرمان خداوندی بدون چون و چرا و تردید است زیرا یقین دارند که آنچه را خداوند مهربان بوسیله نماینده بزرگوار خویش امر فرماید خیر و صلاح عموم است خواه با عقول محدوده و موافق باشد یا مخالف بانهایت خضوع و اطمینان خاطر

اجرا و اطاعت می نمایند .

۶- استقامت است با ابراز استقامت و پایداری و صبر و بردباری این مقصد عظیم و جلیل حصول یابد و این نهال تازه و ضعیف درختی بارور و پربار شود و از مخالفت دشمنان و پادشاهان سخت مصائب و عناد و تعصبات جاهلیه محفوظ مانده بمرور ایام با میوه های آبدار گام جان عالمیان را شیرین فرموده و حیات جاودانی ارزانی فرماید .

دلائل مختصر فوق در همه پیغمبران مستقل و ادیان الهی وجود داشته و همیشه در دسترس هر انسان است یعنی هر شخص عاقل و منصف با اندکی مطالعه این دلائل ششگانه را در همه ادیان مستقله حتی در زمان حاضر مشاهده میکند زیرا اگر باین درجه از کمال و سهولت و موافق عقل و فهم نباشد از لطف و مرحمت و عدالت خداوندی بعید است که از زندگان مسئولیت و وظائفی را بخواهد که از عهدۀ درک و فهم آنها عاجزاند پس واضح و ثابت شد که فهم و درک این دلائل برای هر شخص بی سواد نیز میسر و آسان است تا چه رسد بدانایان .

در پایان این بحث متذکر میگردم : در مملکتی منظم و متمدن که با اصول و قوانین صحیح اداره میگردد آیا ممکن است شخصی بدروغ و حيله متوسل شده بدون امر و

تصویب مقامات صالحه خود را استاندارستانی و یا حاکم شهری معرفی و مشغول رتق و فتق امور گردند ؟ بدیهی است که شخص عاقل و مآل اندیش اقدام باین عمل ننماید زیرا هرچه زودتر دروغ و خیانت او ظاهر و مجازات خواهد شد حال انصاف دهید در صورتیکه بدون صلاحیت و ازین مقامات مربوطه تصدی مقام و منصبی خارج از صلاحیت مقدور نیست چگونه تصور توان نمود که خداوند عالم و قادر و مهربان اجازت دهد که شخصی بدروغ خود را نماینده ذات مقدس خداوندیش معرفی نماید تا در شریعت و آئین الهی خیانت و دخالت کند و خداوند عالم و عادل و توانا بشخص خائن و دروغگو مهلت و اجازت دهد که در شریعت و آئین یزدانی که حافظ ناموس و شرافت عالم انسانی است خیانت شود و خداوند ساکت ماند هر عاقلی شهادت میدهد که این عمل از عدالت و مرحمت خداوندی بعید و محال است .

بشارات کتب مقدسه زرتشتی  
 ~~~~~

در کتب مقدسه آئین حضرت اشو زرتشت بشارتها و  
 پیش گوئیهای بسیار درباره ظهور بزرگ و مقدس بهائی موجود  
 است که اینک بذکر برخی از آنها می پردازیم تا اتمام حجت  
 شود و دیگر بهیچوجه شك و تردید نماند که آئین مقدس  
 بهائی و ظهور و پیدایش حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی  
 را در نهایت صراحت و روشنی پیش گوئی فرموده و بشارت  
 داده اند و همه زرتشتیان و بهدینان منتظر پیدایش حضرت  
 شاه بهرام و حضرت هوشیدر و دستور پشوتن میباشند .

۱- در وره رام یشت میفرماید :

وره ترگنم اهوره داتم ایزمیده - یعنی وره رام نور  
 خداوند را ستایش میکنیم . کلمه وره رام یعنی نور خداوند  
 و بهاء الله نیز بهمین معنی است حال لطف و مرحمت  
 ایزد توانا و مرحمت و بزرگواری حضرت زرتشت را ملاحظه  
 فرمائید که چقدر در راهنمایی جهت پیش گوئی عنایت  
 داشته و نام نامی حضرت بهاء الله را بزبان اوستائسی  
 تصریح و پیش گوئی فرموده اند زیرا وره رام و بهاء الله دو  
 کلمه است و یک معنی و مفهوم دارد .

## ۲- در دستیر آسمانی میفرمایند :

اگر ماند از مهین چرخ یکدم برانگیزانم از کسان توکسی  
 را و آب و آئین با و رسانم و پیغمبری و پیشوایی از فرزندان  
 تو برنگیرم . این وعده و پشاورت حضرت یزدان با شو زرتشت  
 است که از کسان ایشان یعنی از نژاد آن حضرت و سلاله  
 او آئین یزدانی را تجدید خواهد فرمود . خاندان جلیل  
 و بزرگوار حضرت بهاء الله که سالهای متمادی در طبرستان  
 و مازندران سکونت داشته و واپسین بزرگان آن سامان  
 روان شاد " اسپهبد خورشید " بوده که از خانواده هود و ما  
 یزدگرد سوم ساسانی میباشند و پشت اندر پشت بحضرت  
 زرتشت و شاهنشاه گشتاسب میرسند .

## ۳- در نامه شت زرتشت میفرمایند :

" چون ایرانیان بدکارها کنند و پادشاه خود را کشند  
 یزدان او را که پادشاه خجسته باشد بروم برد و او پادشاهی  
 بس نیک بخت و دانا باشد انجام نامه خود بایرانیان دهد  
 که آمیخته دستیرش کند . "

لازمست که کلمه پادشاه را در این مورد توضیح دهیم  
 که پیغمبران و خوشوران پادشاهان روحانی و بهشتی اند که  
 سلطنت و قدرت ایشان خداوندی است و شاهنشاهان  
 ممالک دل و جان اند که دستور و امر و فرمانشان بدون زور و

اجبار در نهایت میل و افتخار اطاعت و اجرا میشود اکتسب نمودن  
مختصری بشرح این پیش گوئی میپردازیم و آن اینست که  
میفرمایند : " چون ایرانیان بدکارها کنند و پادشاه خود  
را کشند " این قسمت راجع بحضرت هوشید است که ایشان  
را ایرانیان غافل در تبریز مرکز آذربایجان کشتند و هزاران  
گلوله بسینه مبارکش زدند یکی از القاب حضرت هوشید  
( باب ) است یعنی درب و مقصود درب دانائی و هوش  
است که در کتب زرتشتی هوشیدر ذکر شده است بنابراین  
توضیح باب علم یعنی هوشیدر حتی نام مبارکشان و معنی  
نام با هم مطابق و از پیش کاملاً ذکر شده اما قسمت اخیر که  
میفرمایند : " یزدان او را که پادشاه خجسته باشد بروم برد  
و او پادشاهی بس نیک بخت و دانا باشد انجام نامه خود  
بایرانیان دهد که آمیخته دستاویزش کنند " کاملاً و صد در  
صد درباره حضرت بهاء الله واقع شده و با مراجعه بتاریخ  
تألیف مورخین ایرانی و اروپائی حضرت بهاء الله را از طهران  
بعراق عرب با موافقت پادشاهان ایران و عثمانی تبعید و  
سرگون و از آنجا باسلامبول پایتخت عثمانی و سپس در فلسطین  
محبوس و زندانی نمود<sup>ند</sup> و این مهالك از سابق در تواریخ خاک  
روم نامیده میشود بقیه ایام حیات مبارک خود را در خاک  
عثمانی و فلسطین گذراندند و از این مرکز نامه ها و



فرمایشات خود را به همه نقاط عالم مخصوصاً بایران ارسال میفرمودند تا چنانچه در نامه شت زرتشت ذکر فرموده " آمیخته دستایش کنند " از این عبارت چنین استفاد میشود که اولاً - کلام وفرمایش ایشان مانند فرمایشات اشو زرتشت آسمانی و مقدس است . و ثانیاً - بسیاری از نامه‌های آنحضرت پارسی سره است که بنام زرتشتیان و پارسیان موجب افتخار و سرافرازی جاودانی است و در کتب متعدد چاپ و موجود است بآن مراجعه فرمائید از جمله نامه بافتخار شادروان مانگجی صاحب نماینده پارسیان هندوستان در جواب ویاسخ به پرسشهای آن رادمرد است و دیگری بنام استاد جوانمرد شیرمرد عزنزل یافته و در جواب هفت پرسش ایشان است که آن نیز به پارسی خالص ( سره ) نگارش یافته است و از جمله نامه مبارک ایشان بافتخار پدر نگارنده است که افتخار جاودانی این خاندان بوده و هست .

این نامه های آسمانی بسیار است که تعدادی از آنها چاپ و منتشر شده است و چون دریائی مواج از دانش و بینش جواهرگرانبهای دانائی و بینائی و یگانگی و مهر و وفا را بموم افراد وادیان مختلف ارزانی میفرمایند .

از طالبین حقیقت و یزدان پرستان بویژه بهدینسان  
 زرتشتیان ارجمند که یادگار نیاکان و ایرانیان قدیم این  
 مرز و بوم اند تمنا داریم هر چه زودتر کتابهای مقدس  
 بهائی را که خوشبختانه اکثر بزبان فارسی است بدست  
 آورده بخوانند و فرمان یزدان و دستور زندگانی این زمان  
 را که حضرت شاه بهرام یا ( حضرت بهاء الله ) بمنظور راه  
 رستگاری و نجات اهل عالم بویژه زرتشتیان که یادگار  
 نیاکان پاک نژادند مطالعه و از سعادت واقعی و آرامش  
 و اطمینان حقیقی که از فرمان یزدان ابلاغ شده  
 بهره مند گردند .

۴- در کتاب مقدس دین گورد میفرمایند :

" چون هزار و دویست و اند سال تازی آئین را گزرد  
 هوشیدر به پیمبری برانگیخته شود " لطف و مرحمت  
 و بزرگواری را باعلی دوجه رسانیده و حتی تاریخ ظهور  
 و پیدایش حضرت هوشیدر را تعیین میفرمایند که زرتشتیان  
 بعد از مدتها سرگردانی ورنج و محرومیت دریناه حضرت  
 هوشیدر آرامش و آسایش ظاهر و باطن یابند و ایمن  
 پیش گوئی و مشاورت کاملاً در سال ۱۲۶۰ هجری قمری  
 و ۱۸۴۴ مسیحی و ۱۲۲۲ خورشیدی یعنی ۱۲۸ سال  
 قبل واقع گردید و اینک که بناگارش این مختصر اشتغال دارم

در تمام اقطار عالم وهمه ممالك بزرگ و كوچك حتى جزيره‌ها در وسط اقيانوس صيت و آوازه بزرگواری حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعلیٰ يعنى " حضرت شاه بهرام " بلند است و بهائیان در هر گوشه عالم مملکت ایران را کشور مقدس مینامند و آرزوی زیارت و بوسیدن خاک آن را دارند حیفاً و دریغ که دوران نزدیک شدند و نزدیکان هنوز دوراند .

این مختصری از بشا رات و پیش‌گوئی مذکور در کتب مقدسه آئین مقدس زرتشتی بود که یکی از هزار و اندکی از بسیار بظهورشگون و تبرک و اطمینان بیشتر برادران عزیز زرتشتی نگاشته شد در صورتیکه ظهور و پیدایش و خشوران و پیمبران که با امر و فرمان حضرت یزدان هر چندی واقع میشود ضرورت و لزومی نیست که حتماً و دقیقاً علامات و بشا رات و پیش‌گوئیهای مذکور صد در صد مطابق میل و تشخیص مردمان صورت گیرد زیرا خداوند مهربان و نمایندگان و پیمبران دارای اختیار تام میباشند که بهر قسم و هر زمان که خداوند مختار امر و اراده فرماید نمایند خود را با تمام قدرت و عظمت با سلطنت و پادشاهی روحانی مأمور فرموده و خواهد فرمود آیا قدرتی در عالم بالاتر از قدرت خداوندی وجود دارد که مانع اجرای خواست و فرمان خداوند توانا گردد ؟ .

اگرچه گاهی غرور و نافرمانی بشر نادان ممکن است  
 مزاحمتی جهت مؤمنین و پیروان بوجود آورد و لکن بدیهی  
 است که امر و اراده خداوند در وقت مقرر اجراء و انجام  
 شده و خواهد شد در خاتمه بذکر این مثل میپردازیم تا  
 موضوع بیشتر و بهتر واضح گردد که وقوع تام و تمام انتظارا  
 و بشارات کتب مقدسه ضرورت نداشته و ممکن است که  
 باینگونه تصورات از دریای رحمت و بخشایش ایزدی محروم  
 شویم . اگر در مرکز استانی ساکن باشیم و اطلاع حاصل  
 کنیم که قرار است در تاریخ معین پادشاه یا استاندار  
 جدید طبق برنامه معین وارد این شهر شوند بدیهی  
 است که مسئولین و متصدیان هر یک وظائف معموله را  
 در استقبال و پذیرائی انجام میدهند تا شاهنشاه یا  
 نماینده ایشان وارد شوند حال اگر قیافه و صورت پادشاه  
 و یا دستورات ایشان و خط سیر موافق میل و انتظار ما  
 واقع نشود آیا حق اعتراض داریم که چون پادشاه مقتدر  
 مطابق برنامه قبلی که تنظیم شده بود بعضی ها را اجرا  
 نفرموده اند لذا از اطاعت فرمان او سرپیچی نموده  
 و سلطنت او را انکار نمائیم و یا مخالفت آغاؤ کنیم و آیا تأثیری  
 در قدرت و عظمت سلطان در اجرای اراده خویش خواهد  
 داشت که فرد یا جمعی نادان مخالف امر و فرمان

پادشاهی عادل و مقتدر و مهربان باشند از اینقرار  
تصدیق میفرمائید که اراده و فرمان خداوند در هر عصر  
و زمان بهر کیفیت و صورت مطاع و در نظر مردمان عاقل  
حتی الاجراء است .

## مختصری از تاریخ آئین مقدس بهائی

حضرت باب  
مممممممممممممممم

مؤسس و مبشر این آئین یزدانی که موعود همه ادیان در جمیع کتب آسمانی است و همه خداپرستان از ملل مختلفه عالم انتظار ظهور آنرا داشته و دارند جوانی از اهل شیراز در استان فارس میباشند نام مبارك این شخص آسمانی علی محمد میباشد که در سال ۱۸۱۹ مسیحی در شیراز تولد یافتند در سن کودکی پدر بزرگوارشان بعلی جاودانی شتافت و در تحت سرپرستی خال محترمشان قرار گرفته در او ان طفولیت خواندن و نوشتن مختصری رافرا گرفته و هنگامی که بسن پانزده رسیدند بمشارکت و معاونت خال بزرگوار در بوشهر بامور تجارتی پرداختند و بحسن اخلاق و آداب و تقوی و پرهیزگاری مورد توجه خاص و عام بودند در سن ۲۲ سالگی ازدواج فرموده که ثمره آن کوک بود که در ابتدای سال اعلان ظهورشان رخت بسرای باقی کشید .



و نجات بخشنده عالم امکان باقی نماند .

اظهار امر و اعلان پیغمبری آنحضرت را در ابتدا اهیجده نفر از دانشمندان و علمای وارسته و پرهیزگاری پذیرفته و ایمان و اطاعت کامل عرضه نموده و برحسب امر و فرمان حضرت ببا ب شهرها و نقاط متعدد در ایران و خارج از ایران مسافرت فرموده هر یک از ایشان در شهرهای مختلف آئین یزدانی و پیام آسمانی را ابلاغ نمودند و حضرت باب شخصاً بمکه معظمه سفر فرموده رسالت و مأموریت آسمانی و فرمان یزدانی را بگروه عظیمی که از ممالک مختلف اسلامی برای فرائض حج آمده بودند ابلاغ فرموده ببوشهر مراجعت نمودند . این پیام آسمانی توسط حجاج باکثر بلکه تمام ممالک اسلامی اعلام شد . در مراجعت و رسیدن ببوشهر از طرفی در اثر قیام و اقدام مؤمنین و پیروان برساندن پیام یزدانی و ابلاغ آئین آسمانی جوش و خروشی زائد الوصف در بین مردم ایجاد گشته تعداد نفوس مؤمنین روز افزون بود و از طرف دیگر تمصبات مذهبی و مخالفت و عداوت جهلا و عناد و جفای علمای بی انصاف از ترس و خوف بخطر افتادن مقام آقائس و ریاست هر دو دست بهم داده حاکم مستبد و جاهل فارسی موسوم بحسین خان را تحریک باذیت و آزار و حبس و شکنجه این گروه بی پناه و مظلوم نمودند که شرح آن در



تواریخ مذکور است .

اهمیت روز افزون آئین حضرت باب  
 ~~~~~

از دیاد شماره پیروان آئین جدید و شور و شوق فداکاری  
 و ابلاغ پیام یزدانی کشور مقدس ایران حتی ممالک همسایه  
 را بحرکت و هیجان درآورده بود پیروان آئین جدید با  
 مؤمنین ادیان از سلطان و مسیحی و زرتشتی و یهودی  
 به بحث و مذاکره و استدلال پرداخته هر روز جمعی از  
 ایشان در ظل شریعت تازه یزدانی چون برادران و خواهران  
 آشنا و یگانه میفرمود و پرده های عداوت و دشمنی های  
 دیرین را میسوخست و بنور محبت و اتحاد و برابری تاریکیهای  
 گذشته را بروشنائی گفتار و کرداریک هرگونه اختلاف را  
 برمی انداخت و از هردین و آئین قدیم با آئین یزدانی جدید  
 روی آورده چون پروانگان مشتاق گرد نور محبت الهی آتش  
 گرمی بخش یزدانی جان و مال و هستی را فدای راه خداوندگان  
 ایزد توانا میفرمودند از دیاد مؤمنین و پیروان و اعلان و ترویج  
 امر حضرت یزدان موجب بغض و حسد دشمنان و بی خردان  
 گردیده هر روز بلکه هر ساعت انواع بلا و مزامنت و شکنجه و آزار  
 بر این قوم مظلوم وارد میآوردند اما مظلومان و پیروان آئین  
 جدید به کمال صبر و استقامت بل سپاس و شکرانه هرگونه جفا و

سستی را در نهایت صفا و ضایت خاطر تحمل فرموده آنرا از عنایات و الطاف حضرت رحمان دانسته در قبول مشقات از حبس و زجر و قتل بر یکدیگر سبقت میگرفتند. بدرجه کسه اینگونه فداکاری و گذشتن از جان و مال و اهل و عیال مورد آرزو و افتخار بود و با دعا طلب رنج و بلا میفرمودند تا لایق و قابل فدا در سبیل خدا شوند و این جان و تن را نثار خاک راه دوست فرمایند چه جانهای پاک که نثار خاک شد و چه جوانان شاداب و بزرگوار که گاهی از زندگانی دنیا نگرفته جان و تن را در راه خدا فدا کردند و خاک مقدس کشور ایران را بخون نازنین رنگین فرمودند و آثار ابدی عشق و محبت الهی را با خون خویش نگاهشتند و اقلاً بیست هزار نفس مقدس در این میدان شهید شدند .

### فدا و شهادت حضرت باب

~~~~~

در سال ۱۸۵۰ مسیحی حضرت باب را از زندان شهر تبریز مرکز آذربایجان منتقل نمودند و چون اعضای دولت و علمای ملت اسلام تنها راه ممانعت و جلوگیری از پیشرفت آئین الهی را از بین بردن حضرت باب تشخیص دادند متفقاً اقدام بکشتن ایشان نمودند ابتدا در

سربازخانه تبریز محبوس و تحت نظر قرار دادند و در روز  
معهود فوج ارامنه را مأمور تیرباران حضرت نمودند قبل  
از اقدام رئیس فوج که موسوم بسامخان بود حضور حضرت  
شرفیاب شده معروض نمود :

من مسیحی هستم و باشما و عقیده و ایمان مورد بحث  
ارتباط و اطلاعی ندارم اگر حقیقتی نزد شما وجود دارد  
کاری بفرمائید که دست من بخون شما آغشته نشود حضرت  
فرمودند بسیار خوب شما وظیفه خود را انجام دهید  
و یقین است اگر نیت صادق باشد گناهی از شما سر نخوا  
هد

زد .

رئیس فوج مزبور سربازان خود را آماده نمود و حضرت  
باب را که برحسب امر دولت و فتوای علما محکوم بقتل  
دانسته بمیدان آوردند و پهلوی ستونی آویخته یک فوج  
سرباز که ۷۵۰ نفر بوده شلیک میکنند بعد از اتمام  
شلیک و پراکنده شدن دود و غبار وقتی بی پای دار می آیند  
جسم وبدن حضرت را نمی یابند و بعد از جستجو و تفحص  
ایشان را در حجره زندان خود مشاهده میکنند که  
در نهایت آرامش جلوس فرموده مطالبی را به منشی خود  
دیگته و امر به تحریر میفرمایند وقتی رئیس فراشه  
حضورشان میرسد باو میفرمایند :

" بشما گفته بودم تا کارهای ما تمام نشود هیچ قدرتی قادر از بین بردن ما نیست چنانچه ملاحظه کردید اکنون مأموریت و کار ما انجام گردید اقدام کنید بمقصد میرسید".

فراسباشی بشنیدن این امر مبارك از محل خارج شده از شغل و کار خویش کناره گیری نمود . فوج ارامنه نیز کهه برای تیرباران مجدد مأمور گردید خود داری کرد لذا فوج خمسه بفرمان آقا جان بيك مأمور شد وشهادت ایشان بدست قوم شیعه صورت گرفت .

دشمنان جاهل و حکومت غافل و مستبد گمان کردند که آئین یزدانی و چراغ روشنی بخش عالم انسانی را با از بین بردن جسم نازنین و پیکر عنصری آنحضرت خاموش و نابود توانند چه اشتباه بزرگ و گناه عظیم . اثر این خون پاک شرق و غرب عالم را در ظل سراپرده یگانگی ومحبت واتحاد واقعی مجتمع فرموده روح برادرى وفداکاری که موهبت ایزدی و حیات بخش این جهان افسرده بل نیمه مرده است در اثر این فدا و جانبازی عالم خاکرا رشك جهان پاک نموده و خواهد نمود بویژه ایران که بافتخار نسبت ومیمنت قدوم مبارکش وفدائیان وعاشقان بارگاه حضرتش اکنون در نظر بهائیان عالم بکشور مقدس ایران موسوم است در مستقبل ایام قبله گاه عالم شده وخواهد شد .





بسالهای ۲۳ و ۲۴ از سنین عمر جسمانی رسیدند شهرت  
 و معروفیت فوق العاده حاصل فرموده در هر موضوعی که  
 اظهار نظر و عقیده مینمودند بایبان حقائق و دقائق علوم  
 و احاطه خارق العاده خویش حضار و شنوندگان را متعجب  
 و حیران میفرمودند و در محضر علماء و دانشمندان نظرشان  
 در مباحث و مواضع بسیار مهم و مشکل مورد قبول میافت و در  
 حل مسائل غامضه نهایت احاطه و قدرت و روشن بینی ایشان  
 موجب حیرت دانشمندان میبود مسائل پیچیده و مبهم  
 را بسهولت و لطف و هوشیاری و قدرت و فصاحت حل و فصل  
 میفرمودند موقعی که ۲۲ ساله بودند پدر بزرگوارشان  
 رحلت نمود و چنانچه روش و عادات ادارات دولتی در آن  
 اوقات بود حکومت شغل و منصب پدر را بحضرتشان عرضه  
 نمود موافقت و قبول نفرمودند تا اینکه نخست وزیر اظهار  
 نمود این مشاغل در خور و شایسته مقام ایشان نیست و توجه  
 و علاقه باینگونه کارها نداشته افکاری و بالاتر و برتر در فکر  
 و نظرشان منظور و مورد توجه است و مطمئن هستم که خود  
 را بجهت افکاری عالی تر و برتر از آنچه ما تصور میکنیم آماده  
 و مهیا میفرمایند .

حبس و زندانی شدن حضرت بهاء الله  
 ~~~~~

حضرت بهاء الله دعوت رسالت و پیغمبری حضرت باب را در کمال شجاعت تصدیق و متابعت فرمودند در آن اوقات ۲۷ سال از عمر مبارکش میگذشت که باین نام بین خواص و عوام معروف گشتند و دوبرتبه بزدان افتادند تا اینکه در سال ۱۸۵۲ مسیحی حادثه تیراندازی ناصرالدین شاه بوقوع پیوست و خلاصه موضوع آنکه :

جوانی تبریزی صادق نام از پیروان جوان و پر عشق و علاقه بحضرت باب در اثر شهید شدن سرور و مسولای بزرگوارش بر سبیل انتقام بکشتن شاه ایران اقدام نمود و در اثر جهالت و نادانی در تفنگ بعبوض گلوله ساچمه نهاد و چون موثر نگردید شاه را از اسب بزیر کشید که سواران محافظه بر سرش ریخته در همان مکان قطعه قطعه نمودند و این موجب گردید که گروه بابی را عموماً محـرك و مسبب این قضیه دانسته متهم کنند و کشتن مظلومان بی گناه را شروع نمایند لذا از جمله هشت نفر را در طهران شهید نمودند و جمع کثیری را گرفته زندانی کردند از جمله حضرت بهاء الله را .



حضرتش در نامه آسمانی شرح مختصری از بلایا و جفا و ستم ظالمان و بی گناهی و عدم اطلاع خود را مرقوم فرموده اند که ابدأ در این موضوع دخالتی نداشته و بهیچوجه انتقام و خونخواهی نفرموده اند و در جستجیات تحقیق و محاکمه بی گناهی و بی اثبات ساحت اقدسش ثابت با اینحال مدت چهارماه در زندانی مظلم و متعفن چون دخمه تاریک و قنق که محل زندان و آدم کشان بود با غل و زنجیر بسیار سنگین محبوس و زندانی بودند در این مدت چهار ماه هر روز میرغضب و جلاد بزندان میآمد و نام یکنفر از پیروان حضرت باب را بزبان آورده برای کشته شدن احضار مینمود و اشخاص مذکور ابتدا بحضور حضرت بهاء الله مشرف و دستهای مبارک را میبوسیدند و دیگران را در آغوش گرفته وداع میکردند و در نهایت سرت و شوق و شجاعت بقربانگاه عشق و فدا میشتافتند و چون در نتیجه تحقیقات متوالیه و شهادت جمعی از بزرگان بی گناهی حضرت بهاء الله ثابت و مبرهن شد آزادی حضرتشان اعلام و امر شاه صادر گردید که هر چه زودتر عازم عراق عرب شوند لذا در مدتی بسیار کوتاه وسائل مختصر مسافرت تهیه و در شدت زمستان و سرمای شدید با خاندان در نهایت زحمت و مشقت و خطر این سفر طولانی



" ملاحسن عمو " در پیشگاه مبارک حاضر گردید و هر یک از مسائل دینی و معضلات عقلی را سئوال نمود جواب کافی و شافی شنید عرض کرد : علماء را حااطه علمیه و دانش و فضائل عالیه حضرت متفق القولند و لکن تقاضا دارند که معجزه ظاهر فرمائید تا موجب اطمینان و سکون خواص و عوام شود در جواب فرمودند :

" گرچه علماء و مردم حق ندارند که از پیشبر و نماینده خداوند معجزه و کرامت بخواهند و لکن از نظر همراهی و ارفاق و مدارا و اغماض قبول می کنم مشروط باینکه علماء متفق شوند و معجزه را معین نموده بنویسند و مهر و امضاء کنند آنوقت اگر درخواست ایشان انجام گردید قبول کنند و اگر معجزه مورد تقاضا را انجام ندادیم بطلان ما ثابت میشود " شخص مذکور در نهایت خضوع زانوهای حضرت بهاء الله را بوسیده بگربلا مراجعت و موضوع را بعلماء معروض داشت بعد از مشاورات و مذاکرات طولانی موافقت فیما بین علماء حاصل نگشت و از ترس و هراس از ظهور قدرت و عظمت الهی اقدام بدرخواست معجزه نکردند ملاحسن مذکور هنگام مراجعت از گربلا بایران در کرمانشاه و شهرهای دیگر ایران موضوع عدم جرأت علماء و قدرت و عظمت ربانی حضرت بهاء الله را در مجالس و مجامع

متعدد ذکر نمود .

علمای اسلام از پیشرفت آئین الهی در عراق عرب و ایران مضطرب و نگران شده عظمت روحانی و قدرت یزدانی حضرت بهاء الله روز بروز بر عده مؤمنین از دور و نزدیک میافزود . ترس و هراس از طرفی و از طرف دیگر حسد و رشک زمامداران دست بهم داده نامه های پی در پی بپادشاه ایران و عثمانی نگاشته و از هر گونه تهمت و افترا کوتاه می نمودند و در نتیجه دولت ایران و عثمانی موافقت نمودند و متحد شدند که حضرت بهاء الله را از بغداد باسلامبول نقل مکان دهند .

### اعلان آشکار آئین بهائی در

#### بغداد

بعد از حصول موافقت بین ایران و عثمانی بحرکت موکب مبارک حضرت بهاء الله از عراق به ترکیه و دستان و بهائیان آن سامان دچارانده و اضطراب بی پایان گشتند و همگی نگران و پریشان که چگونه از پیشگاه شاهنشاه ممالک دل و جان و سرور عالمیان محروم مانند و این فراق و دوری را چگونه تحمل کنند و لکن مشیت خداوندی را جز تسلیم و رضا چه توان نمود .  
در تاریخ آپریل ۱۸۶۳ موکب مبارک از منزل بباغ معروف

به نجیب پاشا انتقال فرموده مدت ۱۲ روز در این باغ با خانواده و برخی از پیروان و مؤمنین تشریف فرما بودند و در این باغ و بوستان در نهایت عظمت و قدرت خود را موعود کل ادیان و کتب مقدسه الهیه معرفی و به بابیهها مخصوصاً تصریح فرمودند که ایشان موعودی میباشند که حضرت باب در اکثر کتب و فرمایشات خود نزدیک و قریب ظهورشان را بشارت فرموده اند و از آن تاریخ باغ مذکور به حدیقه الرضوان یعنی ( باغ بهشت ) معروف و موسوم گردید و ۱۲ روز مذکور به بزرگترین عید بین الملی در سراسر عالم بهائی مقرر شد که هر سال بهائیان در تمام دنیا جشن گرفته بسرور و شادمانی و سپاس ایزد بی انباز می پردازند .









و خاندان حضرتش را بصبر و شکیبائی میخوانده و اطمینان میدادند که عنقریب این بلا و مشقت پایان یافته آسایش و آرامش حصول یابد و این بشارت را در نامه ها و فرامین مبارکه به بهائیان سایر ممالک از ایران و ترکستان نگاشته بندگان مشتاق و ارواح گروه عشاق را شادمانی و مسرت آسمانی می بخشیدند .

و چنانچه پیش گوئی و تصریح فرموده بودند و اواخر ایام را فی الجمله راحت و آسایش قبول نمود و در قصر کاموسوم به " بهجی " سکونت اختیار فرموده چندی با فراغت خاطر بمکاتبه بشرق و غرب عالم و حلّ مشاکل و جواب بعرایض وارده از نقاط مختلفه عالم می پرداختند .

سالهای اخیر را که تا درجه از راحت و آسایش برخوردار و چون شاهنشاهی مهربان و دادگستر در قصر مذکور میزیستند وضع و روش زندگانی حضرت در نهایت درجه سادگی و قناعت بود و در این محل از برخی بزرگان و خاورشناسان پذیرائی فرموده هدف و مقصد آئین مقدس بهائی را که عبارت از وحدت عالم انسانی و حصول صلح عمومی و یگانگی و برادری بین عموم افراد انسانی و از بین بردن موجبات اختلاف و سوء تفاهم و جنگ و خونریزی است گوشزد دانایان و هوشمندان عالم فرمودند

و وصیت نامه کامل و جامعی نگاشته فرزند ارشد خویش  
 حضرت عبدالبهاء را مبین آیات و فرمایشات خود  
 معین فرمودند تا با حکمت و درایت و دانش  
 این وجود مقدس اتحاد و یگانگی جامعه بهائیان  
 محفوظ ماند و اختلاف عقاید و آراء گه در  
 ادیان سایر موجب انشعاب و تفرقه گشته با تمییز  
 مبین مخصوص از هر گونه اختلاف مصون ماند  
 این عنایت و مرحمت حضرتش بقدری عظیم است که  
 زبانها از عهده شکرانه و سپاس عاجز است .

## صعود یا درگذشت حضرت بهاء الله ~~~~~

روزگار سراسر رنج و زحمت و فداکاری حضرتش گره  
 از ابتدای جوانی تا آخرین دقیقه حیات در راه رستگاری  
 و سعادت عالم انسانی مصروف میگشت با آخر رسید و از این  
 جهان خاک بعالم پاک پرواز نمود در حالی که تب عارض -  
 وجود مقدسش گشته و سنین عمر مبارک ۷۵ سال بود بعد  
 از اتمام و اکمال وظیفه مقدسه و انجام مأموریت عظیم و  
 جلیل خود از قفس این جهان آزاد گشتند کتب بی شمار  
 و نامه ها و فرمایشات حضرتش که هزاران هزار است  
 حلال مشکلات دینی و اجتماعی و اقتصادی و راهنمای  
 بی نظیر عموم اهل عالم است که بوحی خداوند قدیر حاوی  
 و کافل سعادت و نجات جمیع ملل و ادیان میباشد تا  
 بخواست خداوند و همت و اقدام بندگان با وفایش این  
 پیام یزدانی بسراسر گیتی رسد و چون نور ایزدی تاریکیها  
 نادانی و نافرمانی را بروشنائی دوستی و برادری و یگانگی  
 تبدیل نموده روی زمین چون بهشت برین شود .



نه ساله بودند و در همان سن و سال پی بعظمت مقام  
و رسالت حضرت بهاء الله برده روزی خود را بریای ایشان  
افکنده درخواست واستدعا نمودند که او را بقربانی و فدائی  
خویش قبول و مفتخر فرمایند .

از هنگام کودکی و جوانی تا پایان حیات و زندگانی  
جسمانی رفیق فہائی و خدمتگذار حقیقی بلکه نگهبان و  
حارس از جان گذشته در خدمت پدر عالیقدر بودند و از  
کودکی در خورد و دانش و حکمت و شہامت سرآمد دانشمندان  
و بزرگان بوده در ملاقات های علماء و طالبین حقیقت  
که بزیارت حضرت بهاء الله میآمدند در آغاز خدمت ایشان  
رسیده بعد از آگاهی از شایستگی ایشان را به پیشگاه  
حضرت بهاء الله بار میدادند و همچنین جواب بعضی  
مسائل غامضہ الہیہ را پدر بزرگوار بایشان برگزار میفرمودند  
کہ در نہایت شایستگی بہ بہترین و کاملترین صورت انجام  
میدادند در سفر بخاک عثمانی و بعد در فلسطین و مدت  
طولانی زندان عکا در ہمہ مواقع و موارد جان بر کف  
در آستان بندگی حضرت بهاء الله دقیقہ آرام نگرفتند  
و روزی استراحت نفرمودند در موقع شیوع امراض مسری و  
خطرناک در زندان عکا سرپرست و خدمتگذار بیماران بودہ  
آرام و قرار نخواستند تا خودشان گرفتار و ناخوش گشتہ مدت



مبارک و مقدس حضرت عبدالبهاء کسب فیض مینموده و بممالک خویش با اطلاعات روحانی و دانش خداوندی مراجعت و مردمان شهر و دیار خویش را براه خدا راهنمایی میفرمودند

### آزادی حضرت عبدالبهاء و سفر

#### با اروپا و آمریکا

مهمترین مباحث

بعد از آزاد شدن از زندان عثمانی عازم اروپا شده در انگلستان و فرانسه در سال ۱۹۱۱ ملاقاتهای مخصوصاً در پاریس و لندن فرمودند در کلیساها و مجامع آئین تازه یزدانی را اعلام و ابلاغ و بمصر مراجعت نمودند سپس بنا بخواهش و اصرار بهائیان امریکای شمالی در سال ۱۹۱۲ باین مملکت تشریف فرما شده در اکثر دانشگاههای مهم و کلیساها و مجامع احزاب ندای شریعت الهی را بگوش مشتاقان رسانیده با راضی مقدسه فلسطین عودت فرمودند بدیهی است نتایج این سفر میمنت اثر و تخم های افشاندن عدّه بی شمار بهائیان امروز در نقاط مختلفه عالم است .

## صعود پا درگذشت حضرت عبدالبهاء

~~~~~

این شخص عظیم و جلیل که در تاریخ عالم مانند و نظیر ندارند و در عظمت مقام و علو روح و فضائل بی شمار و فداکاری و خدمت به عالم بشری سر مشق نیکان و پاگان و مثل اعلای بندگی و خدمت اند تا روزهای اخیر زندگانی عنصری شب و روز آرام نگرفتند و آنی غفلت نفرمودند تا آوازه امرالله بخاور و باختر رسید و با کردار و رفتار و گفتار آئین یزدانی را تعلیم و تدریس نموده با این عظمت مقام ظاهر و پاکبی و پاکیزگی باطن که حضرت بهاء الله جل اسمه بکرات و مراتب آن شهادت داده و تحسین و تجلیل فرموده اند جز تاج بندگی و خدمت به عالم انسانی نام و نشانی قبول نفرمودند تا راهنماء و سر مشق عموم مردمان شوند و کبر و غرور و برتری جوئی و زیاد طلبی و خود پسندی و خود خواهی که اساس و موجب خرابی عالم و جنگ و خونریزی است بنیان برافتد و آقائی و پیشوائی و دستوری که روش گذشته و سبب تفرقه و اختلاف میگردد بر حسب دستورات صریحه حضرت بهاء الله در آئین مقدس و نازنین بهائی وجود نداشته و نخواهد داشت و این فرمان حضرت بهاء الله مورد اطاعت



و قبول عموم بهائیان بوده و هست .

" ای اهل عالم همه باریکدارید و برگ یک شاخسار " .

لطف و عنایت حضرتش بار دیگر اقتضا فرمود که

شریعت الهی و آئین یزدانی را بکف کفایت و سرپرستی

و هدایت حضرت ولی امرالله گذارد تا این نهال تازه

و شاخه داب در سایه پرورش و راهنمایی حضرتش درختی عظیم

گردد و سایه علم و دانش یزدانی بر خاور و باختر جهان

گسترده شود با سرفرازی تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ بجهان

پنهان و پیشگاه پدر مهربان بشتافت و بهائیان پروردگهان

دست محبت و مرحمت خود را در آتش فراق بسوخت .

نگارنده افتخار داشت که ۵۳ روز در آستان مقدسش

روش بندگی و خدمتگذاری آموزد و لکن دریغ که قدرندانسته

تا این ساعت بخدمتی شایسته به بندگان خداوند نائل

و مفتخر نشده ام .

## حضرت ولی امرالله شوقی ربانی

—————

این وجود مقدس دخترزاده حضرت عبدالبهاء میباشد که قسمت عمده ایام زندگانی را در خدمت و جوار حضرت عبدالبهاء گذرانده مشمول لحظات عنایت و عطوفت بودند و چندی در بیروت و سپس در انگلستان به تحصیل اشتغال داشتند تا اینکه حضرت عبدالبهاء بدرود زندگانی گفتند و حضرت ولی امرالله برحسب وصیث نامه زمام اداره امور جامعه عظیم بهائی را در خاور و باختر بکف کفایت گرفتند و در نهایت شایستگی و برآزندگی و فداکاری و خدمت شبانه روزی این مسئولیت خطیر را بنحو احسن اداره و تنظیم فرمودند و آئین مقدس بهائی گوشزد جمیع ملل و دول عالم حتی جزائر و تحت الحمایه ها گردید و اصول نظم بدیع بهائی را با دست توانا و نظر دوربین و حکمت و قدرت خداوندی بعموم مراکز و محافل و جوامع بهائی در سراسر عالم تعلیم و تدریس فرمودند آنی فراغت نخواست و روزی استراحت نفرمود تا این وظیفه مقدسه را که در سال ۱۹۲۱ مسیحی بمعهد گرفته بود در نهایت شایستگی و کمال اجرا فرمود تا جمیع محافل و مجامع بهائی

در همه نقاط عالم با روش واحد و متحدالشکل وظایف روحانیه و خدمت بمعالم انسانی و تبلیغ و ترویج آئین یزدانی را بنحو احسن اجرا و انجام نمایند و نیز خدمتی عظیم در ترجمه کتب و فرمایشات حضرت بهاء الله و حضرت باب و حضرت عبدالبهاء باهل عالم تقدیم فرمود و بسیاری از کتب مقدسه فوق را بزبان انگلیسی ترجمه فرمود تا بهائیان اروپا و آفریقا و استرالیا و آسیا بسهولت فرامین یزدانی و وظایف آئین مقدس بهائی را فرا گیرند و اتحاد و وحدت عالم انسانی روی زمین را رشک بهشت برین کند اکنون که به نگارش این مختصر اشتغال دارم ( ۳۳ ) محفل روحانسی طی در ممالک عالم تشکیل شده و بوظائف مقدسه روحانیه خویش که عبارت از تأسیس و تحقق وحدت عالم انسانی و صلح عمومی است شب و روز میکوشند ( توضیح آنکه هر مملکت دارای یک محفل روحانی طی میباشد ) حضرت ولی امرالله باحکمت و دانش الهی و پاری و پیوری یزدانی در مدت ۳۶ سال نظم عظیم و بدیع حضرت بهاء الله را بصورت اداری منظم در آورده پایه های بیت العدل اعظم را بوجود آوردند و در سال ۱۹۵۷ باسرافرازی و فراغت خاطر بسرای جاودانی شتافتند .

## بیت العدل اعظم

از جمله دستورات و اوامر حضرت بهاء الله در آئین مقدس بهائی تشکیل و انتخاب بیت العدل اعظم است این هیئت عظیم و جلیل باکثرت آراء از بین جمیع بهائیان عالم انتخاب میگردد و مسئول اداره امور روحانی این جامعه عظیم میباشند .

از اینقرار : در هر دهستان و یا شهر که شماره و تعداد بهائیان از نه نفر و بیشتر است باید نه نفر باکثرت آراء انتخاب کنند و این نه نفر عهده دار امور و اداره — جامعه در محیط خود شوند و در هر مملکت نمایندگان تمام مملکت از بین خود نه نفر را انتخاب کنند و این هیئت مسئول اداره امور روحانی این مملکت میباشند در این ایام اولی را محفل مقدس روحانی محلی و ثانی را محفل مقدس روحانی ملی نامند و لکن در آینده به ( بیت العدل محلی و بیت العدل ملی نامیده خواهد شد ) و از جمیع ممالک عالم نمایندگان محافل ملی نه نفر باکثرت آراء انتخاب نمایند و این هیئت موسوم به ( بیت العدل اعظم ) میباشد اکنون این مؤسسه عظیم بین المللی انتخاب گشته در جوار

آرامگاه حضرت اعلیٰ حضرت هوشیدر بانجام وظایف مقدسه روحانیه خویش که عبارت از تنظیم امور و اداره شئون و خدمات روحانیه جامعه بهائی و خدمت بهدایات و سعادت عالم بشری در سراسر گیتی است با تمام استطاعت و توانائی بانجام وظایف روحانیه اشتغال دارند و چنانچه در فصول و قسمتهای گذشته اشاره گردید در آئین بهائی ریاست و برتری و آقائی و پیشوائی وجود نداشته و نخواهد داشت و اینگونه خدمات و اقدامات عمومی بصورت مشاوره و انتخاب انجام میشود این شرح بسیار مختصری از تشکیلات روحانی آئین بهائی است که در اصطلاح دیانت بهائی نظم بدیع گفته میشود و در خور و شایسته شرح و بیان مفصل است و اینک بهمین مختصر اکتفا میشود . بدیهی است کسب دانش و اطلاعات وسیعتر و جامع برای طالبین راه حقیقت مستلزم مطالعه و دقت در کتب و نوشتجات متعدد و مشروح در آئین بهائی است و لکن آنچه در فوق اشاره شد جوهر و خلاصه و مختصری از نظام و روش اداری جامعه ملی و بین المللی بهائی است .

نامه ها و کتب و خطابات حضرت بهاء الله به پادشاهان

عالم و علما و رؤسای ادیبان  
 ~~~~~

بمنظور ابلاغ فرمان و دستور خداوند مهربان بعموم  
 اهل عالم از امیر و فقیر و دانا و نادان و توانگر و ناتوان  
 بهمه و مسائل ممکنه و اقدامات لازمه مؤثره توسل گشته تا  
 احدی از افراد بشر در سراسر گیتی از باران بخشش  
 ایزدی که همانا آئین یزدانی است محروم نشود و بی بهره  
 و اطلاع نماند زیرا که بر حسب پیش گوئی و بشارت همه  
 ادیان و کتب مقدسه روز و هنگامی میرسد که همه آدمیان  
 در سراسر گیتی در سایه سراپرده یگانگی حضرت یزدان  
 در آیند و خداوند خدا خاور و باختر را زیر فرمان آورد در کتب  
 مقدسه زرتشتی بعد از تسلط اعراب بر ایرانیان و زبونی  
 و بیچارگی زرتشتیان همیشه این امید و آرزوی نیاکان  
 و پیشینیان بود که بعد از هر نیایش و ستایش یزدان  
 خواستار رسیدن بروز و اسپین و روز خداوند و حضور  
 در پیشگاه حضرت شاه بهرام و هوشیدر بودند و بودیم که  
 دعای معروف ( تندرستی ) یکی از آنها است و همچنین  
 در کتب مقدسه اسلامی و مسیحی و یهودی همگی بشارت  
 رسیدن روز خداوند و سلطنت و شاهنشاهی خداوند خدا

و اتحاد و اجتماع همه امت هادر سراپرده یگانگی بنام  
 خداوند بشارت داده شده و همگی در انتظار آن روزگروه  
 و نیایش نموده و مینمایند حضرت بهاء الله و حضرت باب  
 در ۱۳ سال قبل دارندۀ این پیام رستگاری و حامل  
 فرمان بیداری و آزادی بودند و با تمام قدرت و انواع  
 مشقت و زحمت و فدای بیست هزار انسان که هر یک فرشته  
 آسمانی بودند این ندای یزدانی را بگوش همه آدیان از  
 هر قوم و ملت و رنگ و نژاد رسانیدند تا احدی محروم  
 نماند و برای اتمام حجت ندای یزدانی اکثر پادشاهان زمان  
 و علماء و دانشمندان و روسای ادیان از جمله شاه ایران  
 ( ناصرالدین شاه ) امپراطور روس - آلمان - فرانسه  
 ملکه انگلستان و رئیس جمهور امریکا و غیره و پاپ اعظم  
 و جمیع کشوری از علمای ادیان مختلفه را مخاطب فرموده -  
 و ظایف و مسئولیت مهم و خطیر ایشان را در اداره مملکت  
 و رعایت رعیت و توجه بعهد و داد و ایمان و تمسك بخدا  
 و قبول و پذیرش این آئین آسمانی پند و اندرز میفرمایند  
 و عواقب و مشکلات عدم اطاعت و نافرمانی را که غضب  
 خداوندی است تذکر میدهند نامه هائی گوناگون به پارس  
 ویژه بافتخار پارسیان شرف صدور یافته که هر یک چون  
 دریائی موج از دانش و بینش و راهنمای راه خداوند

آفرینش است .

سیاس و ستایش یزدان مهربان را که گروهی از پارسیان در ایران و هندوستان گوش شنوا داشتند و پیام یزدانی را که راهنمای راه نجات و رستگاری است بگوش ~~ه~~وش شنیدند و سرفرازی و نیک بختی جاودانی یافتند امید است که دیگر پارسیان ارجحند نیز تا وقت نگذشته از فرصت استفاده کنند و دستور و فرمان ایزدی را پذیرا و فرمان برآر شوند کتب مقدسه و نامه های گرانبها و پیرارزش حضرت بهاء الله اکثراً خطاب به پادشاهان و رؤسای ادیان در دسترس قرار دارد و طالبین حقیقت با زیارت ایمن نامه های آسمانی شهادت میدهند که بیش از اندازه — کوشش و سعی بعمل آمده است تا نادانی و دشمنی و اختلاف و نفاق از کیتی محو شود و نام و پیام خداوند روشنی بخش دور و نزدیک گردد کتابی را که خطاب بنا صرال دین شاه از قلم مبارک حضرت بهاء الله عزّ نزل یافته حاوی مطالب و مسائل مهمه است که سزاوار است تماماً خوانده شود و زیارت گردد تا ثابت شود که نماینده حضرت یزدان با چه عطوفت و مهربانی پادشاه مملکت را آگاهی می بخشد تا فریب مردمان گمراه و علمای جاهل را نخورده از اطاعت فرمان یزدانی باز نماند و مطلب



بسیار مهم وی سابقه آنست که حضرت بهاء الله از پادشاه ایران میخواهند که ایشان با علماء در محضر سلطان حضور یابند و آنچه را دلیل و حجت پیغمبری دانند بخواهند تا حقانیت آئین یزدانی مبرهن و آشکار شود و اینست عین عهات و نص بیان حضرت بهاء الله بنا صرالدین شاه .

" ای گاش رأی جهان آرای پادشاهی بر آن قرار میگرفت که این عهد با علمای عصر مجتمع میشد و در حضور حضرت سلطان اتیان حجت و برهان مینمود این عهد حاضر و از حق آمل که چنین مجلسی فراهم آید تا حقیقت امر در ساحت حضرت سلطان واضح و لافح گردد " کتاب مقاله شخص سیاح صفحه ۱۳۶ " و نیز در نامه های آسمانی که بسایر تاجداران و پادشاهان در اروپا و آمریکا مرقوم فرموده اند و قایم و حوادث آینده را پیش گوئی نموده عواقب خطرناک نافرمانی و عدم اطاعت فرمان و دستور یزدان را تذکر داده اند و اکثر پیش گوئیها تا حال بوقوع پیوسته طالبین بکتاب الواح ملوک و کتاب مستطاب اقدس مراجعه و بر اطلاع و اطمینان بیفزایند و یقین کنند که جز خواست خداوند توانا و مدد و یاری یکتا یزدان بیهمتا یک فرد تنها را بدون یار و یاور و خزائن و دفائن و لشکر

و سپاه چگونه این غلبه و قدرت حاصل آید که هر ماه و هر روز بل هر ساعت جمع کثیری از دانشمندان عالم آئین مقدسش را پذیرفته و در ترویج و تبلیغ آن بدل و جان بکوشند در خاتمه متذکر میگردد اگر فی المثل هزاران نفر دست بهم دهند و بنائی را شروع بساختن نمایند و یک نفر در جهت مخالف بخرابی آن اقدام کند . بدیهی است که یک نفر خراب کننده بر هزار نفر سازنده غلبه خواهد نمود . حال اگر برعکس آن واقع شود یعنی یک نفر بساختن پردازد و تمام دنیا با همه وسائل بخرابی و از بین بردن آیین فرد تنها بکوشند و لکن در پایان غلبه و موفقیت بدست آرد آیا جز بقدرت و حمایت خداوندی اینگونه موفقیت ممکن است این جا محل انصافست اینست که همواره پیمران و خوشوران یزدان به یاری خداوند یک تنه و تنها بر عالم و عالمیان غالب شده و خواهند شد .

بعضی از اصول و مبادی اساسی

در دیانت بهائوسی  
مهم

- ۱- ترك تقالید و تحریر حقیقت
- ۲- وحدت عالم انسانی
- ۳- اساس ادیان الهی یکیست
- ۴- دین باید مطابق علم و عقل باشد
- ۵- دین باید سبب الفت و محبت باشد
- ۶- تعصبات هادم بنیان انسانی است
- ۷- وحدت لسان و خط
- ۸- تساوی حقوق رجال و نساء
- ۹- تعلیم و تربیت اجباری و عمومی
- ۱۰- صلح عمومی و بیت‌الحدل اعظم و محکمه کبرای

بین‌المللی

- ۱- تعدیل معیشت و حل مسائل اقتصادی
  - ۲- عالم بشری محتاج به نفثات روح القدس است
- دوازده اصل فوق بعضی از مبادی اساسیه و پایه های اصلی استقرار آئین آسمانی بهائی است و بسیاری دیگر از اصول اخلاقی و اجتماعی را در فرمایشات و نامه های

آئین‌گذا را آسمانی مشاهده میفرمائید که جهت نظم عالم و سعادت و آسایش ابناء آدم بایسته و لازمت بــــه کتابهای بهائی مراجعه فرمائید امید از رحمت پروردگار بزرگ و مهربان آنکه همه مردمان جهان بویژه زرتشتیان که بازماندگان نیاکان پاک‌نهاد این مرز و بوم اند از دریای دانش‌یزدانی بهره‌فراوان گیرند و خود و دیگران را رسنگار و درپیشگاه حضرت دادار مهربان روسفید و سرافرا باشند .

از حضرت عبدالبهاء پرسش نموده‌اند که بهائــــی یعنی چه و چگونه انسانی را میتوان بهائی نامید ؟  
میفرمایند : بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی خواننده ارجمند که این مختصر را مورد مطالعه قرار داده‌اید بدقت و بصیرت خداوندی و انصاف و روشن بینی و توجه بخداوند توانا و آگاه و پاکی دل و دیده از شنیده‌ها و کردارها و رفتارهای دور و نزدیک چنانکه در محضر و پیشگاه ایزد توانا حضور داری در آنچــــه نگاشته شد اندیشه فرما و قضاوت کن که آیا راهی نیکوتر و روشی شایسته تر از راه‌یزدان توان یافت که همگان را یکسان راهنما بوده بسعادت واقعی رهبری فرماید و آیا غیر از فرستاده خداوند کسی را این قدرت و نیرو هست

که یکه و تنها دنیائی را بزیر فرمان آرد که بدون وسا ئل  
 ظاهری از ثروت و مال و لشکر و سپاه از جان و دل فرمانش  
 را که فرمان یزدانست پیروی کنند پیمبران و خوشوران هر  
 کدام بامرو فرمان یزدان برانگیخته شده برای راهنمایی  
 مردمان جهان با توجه و رعایت اقتضای زمان قانون و فرمان  
 از حضرت یزدان بمالمان عرضه میفرمایند و از دست این  
 بشر سراسر شر و فساد و خود خواهی و عناد انواع زنج  
 و بلا و اذیت و جفا قبول و تحمل میفرمایند و مانند پدری  
 مهر پرور کودکان مغرور خود سر را با جمیع وسا ئل ممکنه  
 با صبر و استقامت و محبت بیکران خود براه سعادت و  
 ترقی رهبری میفرمایند بتاریخ ادیان مراجعه فرمائید که  
 این بشر حق ناشناس پاداش همه پیمبران را چگونه برعکس  
 با ظلم و استهزا و اذیت و جفا و زجر و زندان مقابل  
 نمودند . بدیهی است که هیچ انسان عاقل با اختیار خود  
 خویش را دچار این همه رنج و زحمت دائم الحیات نکند  
 مگر پیمبران خدا و انبیای عالیقدر که با امر و فرمان خداوند  
 و حفظ و حمایت او این مسئولیت عظیم و مأموریت خطیر  
 را بمسئله کفایت گرفته عالم انسانی را از نو پرورش آسمانی  
 و زندگی جاودانی و روح جدید می بخشند ملاحظه فرمائید  
 حضرت اشو زرتشت را با آنکه شاهنشاهی چون گشتاسب و

قهرمانی روئین تن چون اسفند یار حاصی و نگهدار بودند  
 عاقبت در ترکستان بدست تورانیان بی ایمان شهید گردید  
 حضرت مسیح فرستاده خدا را مردم نادان بدار آویختند  
 حضرت موسی را بقدری آزار و مخالفت نمودند که از دست  
 قوم متواری شد و در مکانی بدرود زندگانی گفت که قبر  
 و محل دفن آنحضرت معلوم نیست . حضرت محمد را بانداز  
 جفا و آزار و اذیت کردند که مکرر میفرمایند " هیچ پیمبری  
 را باندازه من اذیت و آزار نکردند " حال در این دوران عظیم  
 و ظهور و پیدایش حضرت شاه بهرام " حضرت بهاء الله " که  
 معاصر و هم زمان ما هستند ملاحظه و دقت فرمائید که  
 شخصی بزرگ زاده دارنده اصل و نسب عالی از شاهنشاه  
 زادگان سلسله ساسانی که پدر و الا گهرشان از بزرگان  
 نامدار این مرز و بوم و درما زندران دارای قدرت بی پایان  
 و املاک و دارائی فراوان بوده و حضرت بهاء الله فرزند  
 بزرگ و نوچشم خویش را در نهایت عزت و ناز و نعمت پرور ش-  
 میدهند و بمقامی از شایستگی و دانش ترقی میفرمایند که  
 پادشاه مملکت نخست وزیر و سایر وزرا و بزرگان زمان بر  
 علو مقام و عظمت قدر و دانش و بزرگواریش یک زبان گواه اند  
 و هنگامی که شغلی شایسته از طرف دولت بایشان عرضه  
 میشود که عبارت از منصب و مقام عالی پدرشان بوده است

از قبول خودداری میفرمایند از ناز و نعمت و آسایش و راحت و کسب عزت و ثروت دنیا که هدف و آرزوی هر انسان معمولی است چشم پوشیده بلا و زحمت و حبس و مشقت را قبول میفرمایند و مادام العصر یعنی از ۲۷ سالگی تا آخر حیات جسمانی را در زندان و تحت نظر و مراقبت دشمنان در نهایت عذاب و زحمت ایام میگذرانند و همیشه اوقات خداوند بزرگ را شکر گذاری میفرمایند ابداً شکوه و شکایتی نفرمودند بلکه در مقابل ازیت و جفا وفا نمودند و در باره دشمنان دعا کردند که خداوند نادانانند گناهشان را بیامرزد .

تاریخ بی نظیر این آئین عظیم آسمانی تا کنون در کتب عدیده نگاشته شده که هر ورق آن برگ زرین و جلوه گاه عشق الهی و محبت و مهر خداوندی در دل‌های آزادگان جهان خصوصاً نماینده فداکارینها و جانبازینهای ایرانیان عزیز است که قدر و قیمت این موهبت خداوندی و فره ایزدی را شناخته بیست هزار نفر جان نازنین را فدای حضرت دوست نموده روسفیدی و سرافرازی جاودانی یافتند .

## هدف و منظور آئین مقدس بهائوسی

بردانایان و هوشمندان که دل و جانشان بنوردانش  
 یودان روشن و درخشان است پوشیده نیست که هستی و  
 پیدایش آدمی در این گیتی ناپایدار و گذران چنانست که  
 اگر از بخشش خداوندی که همانا آئین یزدانی است بی بهره  
 ماند ارزش زندگی و دلبستگی را شاید زیرا گیتی چون  
 پیکری است که آئین یزدانی آنرا هستی و روان بخشید و  
 زندگانی جاودانی ارزانی کند این بخشش ایزدی بناخوا<sup>ست</sup>  
 پروردگار و فرمان خداوند آفریدگار در هنگام سختی و گرفتاری  
 بندگان با شایستگی و از خودگذشتگی مردانی بزرگبیا فریند  
 که جهان آفرینش را پدران مهر پرور و آموزگارانی بلند  
 اختراند و در دبستان و دبیرستان و دانشگاه جهان  
 مردمان دانشمند باموختن دانش خداوندی کمر همت  
 بندند و شب و روز بکوشند تا دل و جان مردمان بروشنائی  
 دانش ایزدی روشنی یابد و رستگار شود این چند سطر  
 پارسی خالص را بمنظور بزرگداشت زبان پارسی که مورد  
 تعلق خاطر حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی بود ه  
 و حضرتش در نگارش باین روش یعنی پارسی ویژه قدرت



خداوندی و خلاقیت و عظمت خود را ظاهر فرموده و دریاها  
 معانی و حقائق عالیّه را در قوالب الفاظ بنحوی مجزآسا  
 افراغ و بیان فرموده اند که محیرالعقول است شخصیت  
 بزرگواری که بدبیرستان و دانشگاهی تشریف فرمانشده و علوم  
 متداوله را اکتساب فرموده چنانچه در نامه حضرتش بپادشاه  
 ایران ( ناصرالدین شاه ) صریحاً اعلام میفرمایند که  
 بمدرسه های متداول زمان داخل نشده و از علوم و دانش  
 معموله فرا نگرفته اند با اینحال در بیان حقائق روحانی  
 و حل معضلات دینی و اخلاقی و الهی بی نظیر و عدیبل  
 و حتی روش و مکتبی مخصوص در نگارش و تحریر ایجاد  
 فرموده اند اینست که فهم و درک نوشته های آسمانی  
 حضرتش جهت نفوس تازه و کم اطلاع مشکل است مگر آنکه  
 بمرور زمان بطرز نگارش که باصطلاح بهائیان ( بدیع است )  
 یعنی جدید و تازه پیدایش یافته آشنا شوند  
 و شاید بعضی خرد بینان از روش نگارش ایراد گیرند که  
 خود دلیل کم اطلاعی و محدود بودن دانش آنها است  
 زیرا پیغمبران و خوشوران آسمانی نمایندگان قدرت و  
 اراده و اختیار خداوند در این جهان میباشند و هیچ  
 فردی را حق و شایسته نیست که در پیشگاه حضرتشان  
 عرض وجود کند و یا خدای نخواستہ ایراد و اعتراض نماید

و بدیهی است که عقلا و دانشمندان باین موضوع مهم توجه داشته و دارند و انبیای الهی و پیغمبران را مظهر اراده و قدرت خداوند مختار دانسته و ابدأ چون و چرا ننموده و نخواهند نمود .

اکنون بر سر مطلب رویم و مختصری از هدف دیانت بهائی و این آئین یزدانی سخن گوئیم :

۱- معرفت و شناسائی و ایمان به یکتائی خداوند و علم و قدرت و دانش بی پایان او است که با اراده و اختیار تام آنچه را خیر و صلاح عالم و عالمیان داند توسط نمایندگان خود یعنی پیغمبران مستقل امر با اجرا فرماید و با ضحبت که هیچ قدرتی در عالم مقاومت و مخالفت ارا ده و خواست خداوند نتواند .

۲- محبت عمومی است که بدون هیچ قید و شرط و عرض و هدف شخصی برای خدا <sup>رضایک</sup> بحموم بشر در همه نقاط عالم عرضه و تقدیم شود .

۳- الفت و اتحاد و یگانگی و برادری در ظل آئین یزدانی است که جمیع بشر را افراد یک خاندان شماریم .

۴- عفت و عصمت و پاکدامنی است که همه اهل عالم را برادران و خواهران خویش دانسته حقوق جمیع را محترم داریم .

- ۵- ادب است و آن عبارت از آراسته بودن بصفات و کمالات لایقه مقام انسانی است .
- ۶- راستگوئی و صداقت است که باید در جمیع مراحل زندگانی رعایت شود .
- ۷- وفا است که از فضائل عالییه و زیور وزینت هر انسان شایسته نام انسانی است .
- ۸- صبر و استقامت که موجب ترقی در مراحل کمال و سبب وصول و حصول بهر گونه موفقیت است .
- ۹- تبلیغ آئین یزدانی است که این پیام ایزدی بهمه روی زمین رسد و هیچ انسانی از این موهبت محروم نماند .
- ۱۰- عدل و داد و توجه با همیت و اثر آن در روابط افراد و اجتماع است .
- ۱۱- عفو و اغماض است که باید بمرور ایام جزه فطرت و سرشت هر انسان شود .
- ۱۲- کرم و بخشش است و این صفت ممتاز بارقه لطف و بخشش ایزدی و از صفات خداوندی است .
- ۱۳- انصاف و مروتست و آن عبارت از رسیدگی و تحقیق در جمیع امور با اطلاع کامل از حقائق و دقائق است تا حق از انسانی تضییع نشود و ستمکاری بر ناتوان ظلم و ستم نتواند

- ۱۴- امانت و درستکاری است و آن از صفات برگزیده و ممتاز و شایسته ترین زینت بر پیکر انسان است .
- ۱۵- شجاعت و شهامت است که باید در محل موافق و موقع مناسب اعمال شود و با جبر و زور اشتباه نگردد .
- ۱۶- خضوع و خشوع و فروتنی واقعی است که از روی صمیم قلب بوده از تملق و تظاهر منزّه باشد .
- ۱۷- انقطاع و وارسنگی است که بیش از احتیاج و ضرورت گرفتار دنیا و آلائش آن نشویم .
- ۱۸- اعتدال است که موجب رضایت هر انسان و وسیله وصول و حصول فیض جاودان است .
- ۱۹- دعا و نیایش هر صبح و شام بدرگاه خداوند بی نیاز است و آن عبارت از غذای روح هر انسان است .
- ۲۰- اکتساب علم و دانش است زیرا دانائی میزان ارزش هر انسان و موجب ترقی در دو جهانست .
- ۲۱- دستگیری و حمایت از فقرا و بیچارگان در همه نقاط جهانست .
- ۲۲- سعی و کوشش مستمر در زراعت و صنعت است زیرا این دو پایه سعادت و موجب خیر و برکت در عالم انسانی است .
- ۲۳- رفع سوء تفاهات و اختلاف و دشمنی ها است که

- از نادانی و جهالت سرچشمه گرفته متدرجاً رفع شود
- ۲۴- تشویق و تمجید و قدردانی از هرانسان لایق و صمیمی و خدمتگذار است .
- ۲۵- خطا پوشی و عدم توجه به عیوب و خطای دیگران و باصلاح خویش پرداختن است .
- ۲۶- عیادت و ملاقات و سرپرستی بیماران و مریضان است
- ۲۷- خود داری از قهر و غضب است تا از سلامت خود و آرامش دیگران محافظت نمائیم .
- ۲۸- حسن خلق و مهربانی است که هرانسانی را تا حد امکان مسرور کنیم .
- ۲۹- حسن نیت در همه امور خصوصاً در قضاوت است .
- ۳۰- مساوات است و آن اینکه هرانسانی دیگران و خود را در یک مقام و درجه داند .
- ۳۱- مساوات است این مقام برتر از مساوات است زیرا بایست دیگران را برتر و بهتر از خویش دانیم .
- ۳۲- مقام رضا است . که آنچه را خداوند مهربان مقدر فرموده بآن راضی و شاگرد باشیم نه شاکی .
- ۳۳- پرهیز و دوری از گفتار و رفتار ناپسند و ناشایسته است از هر قبیل که شأن و مقام انسانرا تنزل دهد
- این ۳۳ فقره که در فوق اشاره گردید بمناسبت نام مبارک

۳۳ ( امشاسپندان ) و برخی از کمالات بی شمار انسان است تا با دعا و توجه و راز و نیاز از یزدان بی نیاز در هر بامداد و شام گاهان درخواست نمائیم که فرشتگان و امشاسپندان را بیاری و یآوری ما بندگان نادان و گناهکار فرستد و براه راست که عبارت از اطاعت از دستور امروز خداوند مهربانست توفیق بخشد . هر انسان بهائی چه مرد و چه زن در هر نقطه از دنیای بزرگ شب و روز میکوشد تا این جهان را از مشاگل و مصائب مستولیه نجات دهد و در سایه لطف و راهنمایی آئین یزدانی که تنها داروی شفا بخش امراض و گرفتاریهای روز افزونست بسر منزل آرامش و امان و رستگاری و ایمان کشاند بعبارت روشن تر هر فرد بهائی در پیشگاه خداوند بزرگ و مهربان و حضرت بهاء الله مسئولیت دارد که پیام آسمانی آئین بهائی را که مؤده صلح و سلام و دوستی و برادری در همه نقاط عالم است با تمام وسائل و طرق ممکنه بگوش همه اهل عالم رساند . و تذکر دهد که چاره و علاج قطعی تمام گرفتاریها از جنگ و خونریزی و سوء تفاهم بین دول و ملل عالم منحصرأ اطاعت از راهنمایی و فرمان امروز خداوند مهربانست که بوسیله حضرت بهاء الله بصحوم جهانیان ابلاغ شده و میشود بدیهی است وقتی این پیام را

بهائیان عالم بهمه مردم جهان ابلاغ کنیم مسئولیت و  
 وظیفه خود را انجام داده ایم و سپس خودشان مسئول  
 خدا هستند اینست خلاصه هدف و مقصد آئین بهائی  
 در سراسر جهان . و بعد از ابلاغ پیام و راهنمایی همه  
 مردمان وظیفه بهائیان انجام گردیده بهد ف خویش که  
 خدمت به عالم بشر و نجات دنیا از نیستی و اضمحلال  
 است نائل شده ایم سعادت مند مردمی که فرمان یزدان را  
 اطاعت نموده از غرور و نافرمانی بپرهیزند و بدیهی است  
 اگر مردمی این پند و نصیحت و راهنمایی بی مزد و منت  
 را نپذیرند بقول معروف : "من آنچه شرط بلاغت با تو  
 میگویم " خود مسئول عواقب غفلت و مشمول مجازات خداوند  
 و نافرمانی اند لذا باکمال خضوع و فروتنی از همه نیکان  
 و برادران بهدینان خواهش و تمنا داریم تا وقت باقی  
 است اقدام به تحقیق و مطالعه آئین مقدس بهائی نموده -  
 روان حضرت زرتشت و و خشوران و نیاکان و پدران را که  
 همه آرزوی دیدن این روزگار مینمودند شاد نمائیم و قبل  
 از رفتن از این جهان فرمان و دستور ( امروز ) خداوند  
 عالمیان را اطاعت کنیم تا در وقت حساب در پیشگاه  
 ایزد دانا رو سفید باشیم . .

در پایان برای میمنت و شگون یکی از نامه های آسمانی  
نگارش كلك گهربار حضرت بهاء الله كه بافتخار جناب  
ملا بهرام اختر خاوری عزّ و صول و صدور بخشیده مبادرت  
میکند تا تأثیر کلام و موهبت و بخشایش خداوند علام  
جویندگان حقیقت را راهنما باشد و رستگار فرماید .



### پروردگار مهربان پادشاهان دارسا

حمد و ثنا و شکر و بها ترا سزااست که گنج شناسائی  
 را در دل و دیمه گذاری و لطیفه وجود را از آب و گسل  
 برانگیختی \* تویی توانائیکه قوت و شوکت عباد ترا ضعیف  
 نمود و لشکر غفلت و عسکر غرور و ثروت ترا از آرزو باز  
 نداشت در حینیکه سهام ضحینه و بغضا از جمیع جهات  
 طیار باستقامت تمام قائم و بمابینفی قائل \* ظالم فراغنه  
 ترا از گفتار منع نکرد و قهر جبار بره از ارادۀ مخالفه منع نساخت  
 \* ای پروردگار دستورانرا راه نما و بجلود دانائی و علم  
 لدنی مدد بخش شاید عباد ترا براه راست و خیر بزرگ -  
 بشارت دهند و فائز نمایند \* ای کریم نورت سا طمع و امرت  
 غالب و حکمت نافذ اولیاءت را از دریای بخششت محروم  
 ساز و از برای هریک از قلم عنایت آنچه الیوم سزاوار فضل  
 توست مرقوم نما و مقدر فرما \* تویی توانا و تویی دانا و بینا  
 \* ای پروردگار دستورانرا آگاه نما تا با آگاهی خود غافلین  
 را آگاه نمایند و کمراهانرا براه آرند تا کل در ظل قباب  
 عظمت و سدره رحمت جمع شوند و بشنوند آنچه راکه  
 قوه سامعه از برای آن بظهور آمده و مشاهده نمایند آنچه را  
 که قوه باصره از برای آن موجود گشته امر تو و جانها قربان

خواننده عزیز که مطالب پیش گفته را با دیده لطف و محبت از نظر گذرانده و تا درجه بهدف و مقصد نگارنده توجه فرموده اید مرحمت فرموده باین موضوع مهم جواب دهید پرسش - از يك انسان عاقل و منصف که از روی دانائی بخداوند يکتا و بيهمتا ايمان دارد ( نه طبیعی يا مادي - زیرا با مادیون از طریق و روش دیگر علمی باید مذاکره نمود ) و سؤال اینست آیا خلقت و پیدایش گیتی با قدرت و اراده يکتا خداوند نیست جواب میفرمایند : واضحست که گیتی و همه هستی ها بخواست و اراده خداوند يکتا بوجود آمده . گوئیم لذا دنیا و آنچه در اوست مال و ملك خدا و متعلق بخدا است و ما مردمان هر کدام برای مدتی کوتاه و موقت بحسب ظاهر يك قسمت از آنرا در تصرف داریم تا رفع احتیاج نمائیم و در پایان زندگانی آنرا گذاشته از عالم خاك بجهان پاك پرواز میکنیم .

حال که واضح و ثابت شد که دنیا و آنچه در اوست مخلوق دست قدرت خداوند و متعلق بذات مقدس اوست بنابراین تمام دنیا مثل خانه و باغ بزرگی است که مالک و خالق اصلی آن خداوند است نه انسان ها و هر يك از انسانها برای مدتی موقت امانت دار بوده از سرمایه لطف و رحمت خداوند استفاده میکنیم و واضحست که مالک اصلی و صاحب

واقعی یعنی خداوند بی‌همتا از هر کس و هر انسانی صلاح اداره دنیا را بهتر تشخیص میدهد و با اراده مطاع و قدرت نامحدود و لطف و مرحمت بی‌کران و حکمت و دانش بی پایان خویش هر وقت و زمان با اقتضا و بر حسب احتیاج عالم انسان نظم و قانون لازم را که کافی و کافل خیر و صلاح عموم بشر است یا بعبارتی واضحتر برای خانه بزرگ ملکی خود بدلخواه خویش برنامه موافق احتیاجات زمان تنظیم و بوسیله نماینده تام الاختیار که همانا پیغمبران هر عصر و زمان اند بعالم انسانی ابلاغ میگردد آیا شخص عاقل جز موافقت و اطاعت خداوند مهربان چاره خواهد داشت اینست که در ابتدای ظهور همه پیغمبران عده کمی که عاقل واقعی هستند فرمان یزدان و آئین جدید را — می پذیرند و دیگران متدرجاً اطاعت میکنند پس نیک بخت مردمانی که هر چه زودتر فرمان یزدان را بدون چون و چرا اطاعت نموده رستگار شوند و مطمئن باشند جز نماینده خداوند احدی قبول این مسئولیت عظیم نکند و انجام آن نتواند .

در پایان از پیشگاه خداوند بزرگ و مهربان رستگاری و نیک بختی و آرامش و آسایش تن و روان برای همه مردمان رو

زمین آرزو نمیدیم .